



طسوع وحدت

ارگان نشر و نشر فرهنگ حزب وحدت اسلام افغانستان - کابل

شماره (۲۲) - سال دوم دلو ۱۳۷۱ هـ ش ۱۴۱۳ هـ ق ۱۹۹۴ - میلادی

نیمه شعبان
میلاد بزرگ منجی عالم انسانیت
به تمامه می مسلمین مبارک باد

سوم و چهارم شعبان
میلاد سالار شهیدان امام سوم ما و تولد حضرت
عباس (ع) را بر همه گمان تبریک میگوئیم



متن سخنرانی استاد مزاری در جشن میلاد حضرت علی (ع)
۱۹-۱۰-۱۳۷۱

سیمای امام زین العابدین (ع)

یاد از زنده جاوید
شهادت

برف در زمین باغ
بنیاد اندیشه



۲۲ بهمن

سالگرد پیروزی نور بر ظلمت

خجسته سالروز ۲۲ بهمن، نقطه عطفی در تاریخ مسلمین و مستضعفین جهان است درین روز مبارک تحول عظیمی در سطح منطقه و جهان بوقوع پیوست، سرانجام پس از مبارزات پیگیر ملت مسلمان ایران در چنین "روز فرخنده ای حق بر باطل و جنود رحمانی بر اولیای شیطان و حزب الله بر طاغوت و طاغوتیان غلبه نمود، کاخهای قدرت ستم شاهی / ۲۵۰۰ ساله خاندان پهلوی ویران شد و "خون بر شمشیر" پیروز گردید.

فضای تاریک ظلم و طغیان در آسمان ایران اسلامی با طلوع آفتاب درخشان
صفحه ۲

آنچه در این شماره میخوانید:

- ۱- ۲۲ بهمن سالگرد.....
- ۲- نیمه شعبان میلاد.....
- ۳- سوم و چهارم شعبان ولادت.....
- ۴- متن سخنرانی استاد (مزاری).....
- ۵- با ظهور حزب وحدت اسلامی.....
- ۶- برف در زمین باغ.....
- ۷- سیمای امام سجاد (ع).....
- ۸- زنده، جاوید.....
- ۹- گزیده اخبار.....

با ظهور حزب وحدت اسلامی، هزاره جات عظمت و هویت گذشته خود را باز یافت.

از: نظری

در این خطه بوقوع پیوسته با وجود اینکه در کشف آثار و بیان حقایق در تاریخ شان ظلم ها را داشته شده بوضوح در مییابیم که مردم شجاع، مقاوم این سرزمین قهرمان پرور در حوادث بی شماری که در وطن اش رخ داده با روحیه استقلال طلبی در جهت دفاع از واقعیت ها، اعتقادات و نوامیس ملی خویش از افتخارات بس بزرگی برخوردار بوده و دستگاههای مقتدر سیاسی مستقلا بر ایابریا داشته و یابرم زده است. صفحه ۵

در گذشته های دور و دور تر سرزمینی کوهستانی و یابستانی "هزاره جات" که در قلب آسیا و افغانستان امروزی واقع است بگواهی تاریخ از عظمت، جلال، و شکوهمندی خاصی برخوردار بوده و دارای قدامت تاریخی طویل زیست و زندگی و تمدن کهن به استناد آثار، علائم و مدارک موجود میباشد. بابررسی و پژوهشی در تاریخ هزاره ها و هزاره جات باستان و حوادث فراوانی که



۲۲ بهمن

ویشتیانی سیاسی در عرصه های بین المللی را از ایران اسلامی داشته است و همچنین در دهها نقاط دیگر جهان، بهمین جهت است که استکبار جهانی سخت به هراس افتاده و در تمام معادلات بین المللی جمهوری اسلامی ایران را نشانه میگیرد.

اکنون که چهاردهمین سال این انقلاب را که "معجزه قرن" نامیده اند گرامی میداریم در اثر سقوط بلوک کمونیسم معادلات جهانی برهم خورد استعمارگران غربی به سردمداری شیطان بزرگ (آمریکا) تلاش مینمایند تا بهر بهانه ای که شده این خار را (جمهوری اسلامی ایران) از چشم خود بیرون کنند، اما دیگر دیر شده و آنها کور خوانده اند، این انقلاب نه تنها بعد بلوغ رسیده، بلکه در میان توده های عظیمی از مسلمین و محرومین جهان ریشه های عمیقی یافته که میتواند بایک قومانداده در سراسر عالم منافع آنان را به آتش کشد و همانند رضاشاه مزدورشان خاکستر نموده به باد دهند، صدور فتوای قتل سلمان رشدی خود نمونه بارزی است، امروز ایران اسلامی بمثابه سد پولادین، مقاوم و استوار ایستاده است، چه دیر یا زود تمامی مسلمین و مستضعفین جهان همگی یکپارچه و متحد هم آواز خواهند شد، به امید امروز.

در پایان این جشن بزرگ را بهممسلمین و مستضعفین بالاخص مقام معظم رهبری و ملت سلحشور ایران اسلامی تبریک گفته و خود را درین سرور شریک میدانیم.

پایان

ویلندای کوه پایه ها، پرنندگان آشیان میگیرند همه اینها تپش آرزو بود که قلب کوچک باغبان را در سرپنجه، بی رحم خود فشار میداد و او در میان در دو آرزو به دورترین چشم انداز افق، نگاه میکرد.

پایان

بقیه از: مقاله نیمه شعبان.

پس از زمان طولانی که دلها سخت و زمین پر از ظلم و ستم شده باشد و همانا از شیعیانم برخی می آیند و ادعا میکنند که مرادیده اند هان بدان که هر کسی ادعا کند که پیش از خروج سفیلی و صیحه آسمانی مرادیده و مشاهده کرده است! و دروغگو، تهمت زده است " و لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم".

آغاز غیبت کبری: روزی که سمری آخرین سفیر از دنیا به رحلت کرد امام زمان (ع) هفتاد و چهار سال از عمر مبارک اش گذشته بود چهار سال و نیم با پدرش و شصت و نه سال و ششماه و یازده روز دور از غیبت صغری را گذراند و اینک آغاز غیبت کبری بود غیبتی که آزمایش بزرگ است تا روزیکه خدا بخواهد آن کوکب دری ظاهر گردد و جهان را پر از عدل و داد نماید. پایان

غیور ایران در سطح بین المللی به ترقی و کمال مطلوب رسیده، اینک بعنوان محور مبارزات اسلامی در جهان قرار گرفته و علیرغم موج توطئه های پیچیده و گوناگون دشمنان همچنان پرملاکت و ثبات بیشتر بحیث یک قدرت مهمی در سطح منطقه و جهان تبارز کرده و انقلابی در سراسر گیتی بی هیچ تردیدی متاثر از انقلاب اسلامی ایران در برابر مستکبرین جهان به وقوع پیوسته و یادشرف تکوین است.

در اینکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، رشد اسلام گرائی و آزادیخواهی افزایش یافته جای هیچگونه شک و تردیدی نیست و انقلاب نیز رسالتش را در دفاع از نهضت های اسلامی و آزادیبخش انجام داده، چنانچه که هیچ موضعی قاطع تر از جمهوری اسلامی ایران در برابر اسرائیل غاصب وجود ندارد و هیچ فریادی رساتر از ایران اسلامی در دفاع از مردم مسلمان بوسنی و هرز و گوئین و کشمیر اشغالی و... نبوده، اگر در افغانستان مبارزات مجاهدین جان برکف این خطه به ثمر نشسته همیاری همدردی، مساعدت دلسوزانه و صادقانه

" زمستان " شده، باغ کنار رودخانه و دروازه دریا را، برف گرفته سنگینی بارش برف، قامت شاخه ها را خم نموده، تان پیمان که سرشاخه ها تا نزدیکی زمین رسیده و ترس دارد که شاخه ها نشکند، در این حال، بادها پراکنده بودند، هر کدام از جهتی می وزید و وزشی غیر جهتدار آنان باعث میشد که ابرها متراکم تر گردد، سرما و سیاهی بیشتر شود با این ترتیب اوتب دیدار خورشید بیشتر می سوخت، انتظار تلخ می کشید، در قلبش تپش های در دو آرزو را داشت، درد از اینکه آیا امیر قافله بیمار میباشد، یا کاروان تار سیدن به آخرین منزل که مقصود همگونی ندارد هر چند بیشتر تا عمل میکرد و آمانده ترمیشد لحظاتی را سکوت میکرد، باز دوباره رشته افکار را بدست میگرفت، این بار، هان!!! اگر بادهای پراکنده جمع شود، میتواند سینه، ابر تیره را شکافت و چهره افتاب را نمایان ساخت و از پرتو نوران، گرما را در کوجه های خلوت باغ جاری نمود، شبنم به مهمانی گلبرگها بروند، بنفشه ها دوباره سر از تیره، خاک برگیرند، بالاخره موج نرم خیز نسیم عمه پیشبینی، تحقیر، بدی را، از فضا های بسته و تاریک، بیبرد، باغبان بجای آن پارچه سبز رنگ ابریشمی که بر شاخه، نخل و زیتون پس از سالها سختگی و رنج خویش را در چشمه، جوشان و گرم تیغه های طلائی رنگ خورشید شستشو دهد، شاخه زیتون با پارچه سبزینه قام ابریشمی ازین بسته شود، بام خانه ها

انقلاب اسلامی به رهبری پیامبرگونه امام خمینی " رحمت الله علیه " منور شد، پرتو نوران همانند صاعقه ای در سطح جهان خفته گان را بیدار و استعمارگران را بلرزه انداخت.

آری ۲۲ بهمن طلوع دوباره، اندیشه ناب محمدی (ص) است که با فریاد های رسای ابرمرد تاریخ، بیدار گرونی وید بخش مسلمین و مستضعفین جهان در حالی تحقق یافت که تصور عمومی جهانیان بر این بود که هیچ پدیده، مهمی خارج از کنترول و اراده، ابر قدرتها تحقق یافته نمیتواند ولی امام خمینی " رحمت الله علیه " و ملت ایران توانست امور غیر قابل تصور را تحقق بخشد.

۲۲- بهمن سالروز پیروزی انقلابی است که در نوع خود بی نظیر بوده، زنگار یاس و ناامیدی را از چهره های انسانهای ستم کشیده و مظلوم بر انداخت، زنجیرهای اسارت و برده گی را از دست و پوی ملت های اسیر و دربند پاره کرد و بر اندیشه های استعمار و استبداد پرستی خط بطلان کشید و همه چیز را بر مبنای اسلام و ارزشهای متعالی آن میدان عمل آورد.

اکنون که در آستانه تجلی سال چهاردهمین سالگرد این رستاخیز اسلامی قرار داریم، این انقلاب بر اساس هدایات عالمانه و حکیمانه امام امت رحمت الله علیه و سایر رهبران، هوشیاری و بیداری ملت

برف نادر

سوز، سرما طراوت و شادابی را از سبزه ها و گل ها و گل بوته ها گرفته بود، بنفشه هاد ر وسیع دشت و صحرا، خشک بود، قطرات شبنم اشناهی صحرگاهی گلبرگ نبودند، ابرهای سیاه و تیره جلوفتاب را گرفته بودند، تن رنجور گلها از بیداد سرمای لرزید، در بستر رود به جای زمزمه فریاد شنیده میشد، بردل اینه، غبار نشسته و پنجره هابسته بود چه، که بیرون یخ و سرما، فشار ابر و وحشت کرده بود آلاله هادر زمین باغ زیر برف و یخبندان خشکیده بودند، برگهای سبز از شاخه های درختان باغ به زیر افتاده بودند با اینکه سنگفرش، خیابان و سینه دشتها پوشیده از برف بود، اما عابرین میدیدند که از خون شقایق، جامه نقره گون طبیعت، کلگون وارغوانی شده بود، آنچنانکه گوئی همه سوال میکردند اخرج چه شده؟! مسافر و باغبان هر دو دچار اندوه غریبی شده بودند، هیچ نمی دانستند که چگونه و چه وقت نور و گرمای خورشید از پشت قله، کوه افتابی سر برآورد، حیرت زده و مایوس در انتظار صبحدم سنا نی گذر لحظه ها را تحمل میکرد دهرگاه چش در امتداد افق میدوخت، انرا تیره و قیر اندود می یافت وزیر لب نجوا مینمود: ایسمان بی وفاست، از ترس یا حیرت اه اشک السود میکشید که کلاغان بخوانند، فصل غریبی بود، تردید داری؟! ایانمیتوانی قبول کنی



خواننده گان گرامی ۱

اینک متن سخنرانی استاد "مراری" دبیرکل حزب وحدت اسلامی که بمناسبت عید میلاد مولای متقیان علی (ع) در کابل بیان داشته و پورده از بحران سیاسی و نظامی کشور برداشته، گر چند دیر بدست مار سیده ولی به نسبت اهمیت فوق العاده آن بنشر سپرده شد.

والسلام

اداره طلوع وحدت

بسم الله الرحمن الرحيم

وجاء الحق وزهق الباطل ان الباطل كان زهوقا به اجازه اساتید، بزرگان، ریش سفیدان و شمامردم قهرمان و غیور که قهرمانی و رشادت را در این ایام تاریخی و سرنوشت ساز ثابت کردید و مقاومت تان را با سرای جهانیان آشکار ساختید، میخوام صحبت هایی را خدمت شما در این مجلس پر شکوه بعرض برسانم.

مسئله اولی که میخوام بعرض برسانم به مناسبت این روز بزرگ، تاریخی است که عید پر عظمت جهان تشیع به حساب می رود و شما این افتخار را دارید که پیرو شخص الهی و جهانی ای همچون علی (ع) هستید.

مطلب دوم درباره جنگ است. شما در باره این جنگ تحمیلی اخیر مطالب مفصلی را از مسئولین شنیده اید ولی یک سری مسائلی که من لازم می بینم تا شما عزیزان در میان بگذارم و توضیح بدهم مخصوصاً "جنگی که در چنداول پیش آمد و علت آنکه چرا چنداول را می زنند؟"

مسئله سوم، مسئله وضعیت فعلی کشور و موضع حزب وحدت اسلامی و سرنوشت آینده است که اگر وقت و فرصت اکتفا نکنند این موضوعات را خدمت شما عزیزان توضیح خواهم داد.

اولاً "خدمت شما عزیزان مجاهد و سلاح بردوش یک تذکرمی دهم و ضمناً" یک تشکر از شما می کنم، مسئله قابل تذکر این است که این همه احساسات و شور و شوقی را که شما

نشام می دهید، مالیاقتش را نداریم، ما کوچکتر از آنیم که ملت ما، مجاهدین ما برای ما احساسات نشان می دهند، ما آنچه را که قابل تشکر و قدردانی می دانیم این است که این احساسات علامت بیداری و زنده بودن شماست، این یک زندگانی نوین است که امروز جامعه ما بخودش می بیند و بعد از پنج یا شش جنگ این حیات جدید است که بملت ما دست داده است و من از آن تشکر می کنم! امروز روز باسعادت و بزرگی است در همجو روزی بود که مولای متقیان به دنیا آمد مردی که شما مردم قهرمان افتخار پیروی اش را دارید و لذا لازم می دانم که این روز را به

سخنرانی استاد مراری

در ششمین میلاد حضرت علی

پیشگاه شمامسئولین محترم و مردم شجاع و مقاوم تبریک عرض نمایم، اما این مورد کیست؟ مصداق اکمل و اصلح این آیه شریفه ای که خدمت شما تلاوت کردم، یعنی حضرت علی (ع) چرا که پیغمبر (ص) می گویند که: علی با حق است و حق با علی.

لهذا حق است که اینجا بگوئیم جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ ان الْبَاطِلُ كَانَ زَهُوقًا آری در هم چو شیبی وقتی که علی (ع) به دنیا آمده است حق به دنیا آمده است و باطل از میان رفته است، حالاً من چگونه از علی (ع) صحبت کنم؟ مسلماً که علما بزرگان و شماعزیزان علی را بیشتر از من می شناسید برای دوستی علی و محبت علی بود که شما این همه زجر و ستم را به پوست، جان و استخوان و مال و ناموس تان تحمل کردید - لهذا در مورد علی (ع) صحبت کردن و انهم از طرف من ناچیز که نمی توانم برای علی چیزی بگویم، شاید حرف درستی نباشد درباره علی ای که نه تنها دوستانش بلکه

ان مرد مسیحی این حرف را می نویسد: چرخ جرداق مسیحی وقتی که انقلاب علی (ع) را با انقلاب کبیر فرانسه مقایسه می کند، می گوید که چه ظلمی کردم در تاریخ، چه گناهی را مرتکب شدم. نابخشودنی، که در باره او مردم، اقیانوس را آوردند با این جوی کوچک مقایسه کردم، این حرف از پیروان -

علی نیست بلکه از کسی است که نه پیغمبر (ص) علی را قبول کرده است و نه خود خود علی را، ولی درباره اش این طور می نویسد - لهذا درباره علی صحبت کردن جادار منتهای ان کس باید غیر از ما باشد و ما باید درباره شیعیان علی که صرف بخاطر "شیعه علی بودن، این همه ظلم و ستم و فشار جنگ را -

تحمل کرده اند، صحبت کنم ۰۰۰ و ما مفتخریم از اینکه پیرو کسی هستیم که می گوید: مرگ در زیر لحاف ذلت است و این افتخار برای ما نیست! ما پیرو پیروز عزیزش امام حسین هستیم که می گوید "حیات عقیده است و جهاد" و حیات انسان را برای این می داند که باید ادم عقیده داشته باشد و در راه آن عقیده جهاد کند، آن عقیده چیست؟ ولایت علی ای است که شما دارید و در راه این عقیده جهاد کردید، من فکر می کنم که همین افتخار بزرگ برای ما و شما

کافیست که پیرو علی و حسین هستیم - بگذار هر قدر که دشمن می تواند برای این عقیده و بخاطر این پیروی بر سر ما فشار بیاورد و ما را نابود کند، باز این افتخار ما خواهد بود!

اگر ما پیروی علی را داشته باشیم پیرو امام حسین را داشته باشیم معتقدیم که مسلماً "پیروزم و جاودانه خواهیم ماند!

این افتخار بزرگی است که مردم تشیع و مردم هزاره افغانستان داشتند در آن وقتی که پیروی از علی (ع) جرم بود و در زمان خلفا هر کس مجبور بود که باید علی را لعن و طعن بکند، اما در کتابهای تاریخ که موجود است، می نویسد که شیعیان افغانستان و مردم هزاره این لعن و طعن را قبول نکردند و دیدیم که یک پول بسیار سنگین را در آن وقت قبول کردند که بدستگاه خلفا تحویل بدهند ولی لعن علی را قبول نکنند، من در این جا

افتخاری کنم به بازوان پرتوان شما مجاهدین و شمامردم که از عقیده و ایمان تان دفاع می کنید و مسلماً "اگر جنگ را ارزیابی کنیم شما هیچ گناهی نداشته اید غیر از اینکه شیعه علی و پیرو علی بوده اید... و اما در رابطه با جنگ:

من شاید این مسئله را در صعبت های دیگر هم خدمت عزیزان و سروران روشن کرده باشم و حالا هم خدمت تان می گویم که ما به هیچ وجهی طرفدار این شش جنگی که بر سر ما تحمیل شده نبودیم و خداراهم شاهد می گیریم که هر جنگی که بر سر ما تحمیل شد روز اول - اعلامیه آتش بس را من یکطرفه امضاء کردم و اگر هیئت عادی بوده یا هیئت صلح بوده من همواره پذیرفته ام و قبول کرده ام ولی شما همیشه شاهد بودید که این آتش بس و این اعلامیه را امضا کردند ولی این هیئت ها هیچ کاری را از پیش نبردند.

درین جنگ اخیر، همه شاهد بودید و مسئولین هم این مسئله را توضیح دادند که جنگ با فرقه هشتاد بود. یعنی شورای نظار یا با اصطلاح وزارت دفاع با فرقه هشتاد درگیر شده بود و بعد از این درگیری که برادر عزیز ما جناب حاج آقای خلیلی در آن جلسه، دیگر مفصلاً توضیح دادند، چرا بیش از پنجصد نفر از مردم ما اسیر گرفتند؟

در این رابطه من لازم می بینم که یک مقداری این جنگ را برای شما باز کنم. از آن روزی که این کشور اسم افغانستان را بخود گرفته دو صد و پنجاه سال میشود و - دولتی که تشکیل شده و حکومتی که در اینجا در طول این دو صد و پنجاه سال بوده برای ما بسیار ناگوار بوده و ما بسیار فشار دیدیم و ذنیت ما هم بر این بود که در رأس حکومت - قوم پشتون قرار داشته و بقیه را بعنوان فارسی زبان فشار داده اند، زمانی که عبدالرحمن تصمیم گرفت که حکومت مرکزی را بوجود بیاورد، همه حکومت های محلی با این مسئله مخالفت کردند: از شمالش مخالفت کردند، از جنوبش مخالفت کردند، از غربش مخالفت کردند و از شرقش مخالفت کردند، ولی چرا آنها شصت و دو درصد مردم ما را از -

بین بردند؟ چرا؟ ۱

این سئوالی است که برای همه ما و شما است و این ذنیت برای ما و شما بوجود آمده که پشتون بر سر ما ظلم کرده و درین مورد جای شك هم نیست که دو صد و پنجاه سال سرما و شما حکومت کردند ۰۰۰ از این جهت اقداماتی را که حزب وحدت تا حالا کرده بود و بسیار طولانیست ولی با انهم لازم است که شما مردم در جریانش قرار بگیرید، من نمی توانم همه جزئیات را بیان کنم ولی فهرستش را می گویم:

احزاب سیاسی ای که تشکیل شد همه،



ماتاسال شصت و هفت برای نوع حکومت در افغانستان فکر می کردیم ، ولی وقتی که در سال ۶۷ باوساطت جمهوری اسلامی ایران در زمان حیات امام رحمه الله علیه ، که تصمیم گرفته و اعلان شد که روسها بیرون می روند ، همه در این فکر شدند که یک حکومتی تشکیل بدهند ، برادر بزرگوار آقای خلیلی که اینجاست تشریف دارد ، در آن روز سخنگوی - اختلاف بود ، اینها قطعنامه امضا کردند که مردم تشیع یک چهارم سهم داشته باشند و این را همه تان از رادیوها شنیدید و به رادیو ها گوش دادید و من معتقدم که بحمدالله مردم ما زهر وقت و زمان دیگر ، مسایل سیاسی را - خوبتر و بیشتر دنبال می کنند حتی باید این مسئله را بگویم و بپذیرم و این از طرف خودم است که هیچ جسارت به مسئولین دیگر ندارم و عاجزانه می گویم که از نگاه سیاسی و از نگاه درک اوضاع شما مردم قهرمان به مراتب از ما مسئولین کرده جلوتر هستید .

من درباره خودم این حق را می دهم که این اعتراف را در پیش شما مردم بکنم و هیچ نظر جسارتی هم به مسئولین ندارم ...

بهر حال شما در جریان قضیه هستید که برادرانی که در پیشااور نشسته بودند گفتند که شیعه ها در افغانستان دودرصد یا سه درصد هستند و از کل رادیوها اعلان شد که شیعه دودرصد یا سه درصد هیچ حق ندارد که در حکومت نقش داشته باشد و این حرف عقلائی است و غیر عقلائی نیست ۱

در این جا بود که ما فکر کردیم پس ماکه تاحالا در صورت می زدیم که دولت در افغانستان تشکیل بدهیم و آن دولت وابسته نباشد ، حکومت ناب اسلامی باشد و وقتی که مادر افغانستان موجودیت نداریم این حرف بی خودیست ، باید امروز - موجودیت خود در افغانستان دفاع کنیم ما باید اول برای این برادران اثبات کنیم که مادر افغانستان هستیم و روی این مسئله بود که حزب وحدت تشکیل شد .

وقتی که حزب وحدت تشکیل شد اولین کاری را که در دست گرفت این بود که هیئت های متعدد بفرستد تا با قوماندانهای داخل تفهیم بکند ، چون رهبرها در پیشااور امتحان شده و امضا گرفته شد و اعتراف کرده که شما در افغانستان نیستید % حالا برویم سراغ قوماندانها که ایاتنها هم ما را میگویند که " شما در افغانستان نیستید " و با اینکه می گویند که بلی شما مردم هستید و در انقلاب سهم داشتید ، موجودیت داشتید ...

روی آن مبنایی که برای شما در مقدمه صحبت هایم گفتم که در بین همه این روحیه بود که مادر طول دودرصد و پنجاه سال از طرف پشتونها و حاکمان پشتون صدمه دیدیم ، لذا با این باور و با این ذهنیت اولین هیئت در سال شصت و هفت در پیش مسعود رفت که توهم ملت محروم هستی و ما هم ملت محروم بیا که دست بدست هم بدهیم ، فهرست این را برایتان بگویم ، مسعود ، در ظاهر استقبال کرد و قرار گذاشته شد که هیئت دوم را ایشان بفرستند که تا سال هفتاد و یک نفرستاد .

وقتی که در سال ۷۱ همه بر این مبنای رسیده بودند که انقلاب به شکل نظامی اش در - افغانستان پیروز نمی شود و سازمان ملل طرح داده بود و دولت های همسایه پذیرفته بودند و رهبران مجاهدین هم پذیرفته بودند تا نماینده ای را که در دولت بی طرف معرفی

می کنند ، معرفی کنند و همه هم معرفی کرده بودند ، در اینجا حرقه ای از شمال شروع شد و جنرال های شمال با این حزب شاماس گرفتند ، سیزده تاجرانال نامه نوشتند که اگر حزب وحدت از حمایت بکنند ما دولت را سرنگون می کنیم ، علیه این دولت قیام می کنیم ...

برادرهای مادر بامیان احساسات نشان می دادند که از این حرف خوب و مطرح بهتر چیست ؟ و می گفتند که بلا فاصله موافقت بکنیم و آنها را راسا قاط کنند و بیایم کابل .

ولی ما واقعا " تشویش داشتیم از این بود که مردم مادر کابل است ، مردم مادر کابل سلاح ندارند ، اگر ما راسا قاط بکنیم و سمنگان و بغلان را هم اگر ساقط بکنیم در - کابل مردم ماقتل عام میشوند ، روی این مسئله هشت روز بحث کردیم ، مسئله دومی که ما اقدام کردیم این بود که روی همان سنت تاریخی باز در پنج شیرهیت فرستادیم تا با آقای مسعود صحبت کند ، به عنوان اینکه تونم ایندگی از یک ملیت محروم می کنی و ملت ما هم محروم است بیائیم دست به دست هم بدهیم دولت ساقط میشود و از حقوق همدیگر دفاع کنیم ، قطعنامه ای را امضا کردیم به پانزده ماده و فیصله ما بر این بود که چهار هزار نفر از چاریکار حرکت بکنند و چهار یانش هزار نفر از میدان شهر ، از این چهار هزار نفر چاریکار هم یک هزار نفر از - حزب وحدت باشد و سه هزار نفر از آقای مسعود ما با این تعهد عمل کردیم و این سنت تاریخی را رعایت نمودیم و با ایشان دست دادیم ولی ایشان وقتی که چاریکار آمدند قوماندانها جمع شدند و آقای مسعود به عنوان رئیس شورای جهادی تعیین شد آقای محقق از حزب وحدت بعنوان معاون و جنرال عبدالرشید دوستم بحیث رئیس نظامی این شورا که بیایند و حکومت را بگیرند آقای مسعود در اینجا فقط این شورا را اسما " اعلام کرد و ریاست خودش را دیگر هیچ عمل نکرد و گذشته از آن وقتی که تصمیم گرفته شد که وارد کابل شود ، راه را - بند کرد و ما را خبر نکرد ، نیروهای آقای دوستم بین میدان شهر و کابل فاصله داشت .

مسعود با فشار راه را بر روی میدان شهر بست و نیروهای مایک هفته در میدان - شهر گرسنه ماند ، تمام هم و غم آقای مسعود این بود که سلاحی که در کابل است در دست مردم هزاره نیفتد که فردا برای مادر سر ایجاد نکند ، توافق نامه را هم نقص کرد و از پیشاور دعوت کرد که بیایند و حکومت را تحویل بگیرند ۱ خوب از این مسئله بگذریم مسئولین حزب وحدت در بامیان نشستند و فکر کردند که چه کار کنیم ؟ مردم مادر کابل است اگر سلاح در دست اینها نرسد ، چطور میشود ؟ اینها که در طول تاریخ هم فشار نژادی را دیده اند و هم فشار مذهبی را چهار نفری هم که در دولت بودند بیچاره ها مثل ما می تپیدند ، پیغام می دادند که از برای خدا بیائید که این امکاناتی را که ما برای نجات مردم خود گرفته ایم از دست ما نرود ، خوب حزب وحدت مسئولین بلند پایه اش را به کابل فرستاد و خواست خدا هم این بود که شما سلاح داشته باشید و از خودتان دفاع کنید آری ، خلاف اراده مسعود و خلاف تصمیم

مسعود ، شامالغ شدید و من این همیستگی را و این وحدت ملی را برای شاماتریک می گویم ۱

بعد چهار تاجنگ که در اینجا پیش آمد همانطوریکه آن روز دیگر برادرمان جناب آقای خلیلی توضیح داد ، ما سند داریم و شما سلاح بدو شان هم می دانید که اگر شصت درصد دست آقای مسعود را در این جنگ ها که سر ماتحمیل شد اثبات نکنیم چهل درصدش را سند واضح داریم ، مسئله ده پوری را هیچ کدام شما فراموش نمی کنید که آقای مسعود قومانده داد و قندهار بهاسر شامالغ کرد ، در این چهار جنگ مسعود نقش فوق العاده داشت وقتی که در میدان شهر نیروهای ما محاصره بود ، اصف دلاوران رولوی در دستیر بود ، با او مطرح شد که شما مگر با حرب اسلامی جنگ ندارید ؟ امروز که نیروهای ما محاصره است شما یک یاد و هلیکوپتر بدهید که ما فرماندهان خود را بیاوریم . اصف دلاور گفت : چرا ، بیایید ما را خدای ما خواهیم ، ما تعهد کرده ایم که از ملت شما حمایت بکنیم ولی وقتی که پیش آقای مسعود رفتند ، گفت نه این به نفع نیست ۱

این دوستی بود که ما هم فکر می کردیم و شما هم فکر می کردید ۱ گفت اگر شهدای شان مانده ما موترمی فرستیم تا بیاورند ، جنگ گسترده میشود . حرب اسلامی از ما می رنجد ۱۰۰۰

این حرف آقای مسعود بود ، این چهار جنگ را شما در زمانی که آقای ربانی به قدرت رسید ، سپری کردید ، به آقای مجددی - که ملت ما ، مردم ما این همه احساسات نشان میدهد فقط بخاطر یک حرف حق است که از او شنید که گفت : در جنگ سیاف متجاوز - بود ، این مردم مظلوم است ، بار هم سراپنها تجاوز می کنند این را مجددی در بیانیه رسمی اش ایراد کرد و به این خاطر است که بین مردم ما محبوبیت دارد و در پیش مسئولین ما احترام دارد ، این مسئله بود که در این دوران پیش آمد .

در دورانی که آقای ربانی رئیس جمهور بود ، مسئولین حزب وحدت با تلاش و با اخلاص رفته ، با ایشان مذاکره کردند و توافق نامه امضا نمودند و ربانی به این مسئله تعهد کرد که کسانی که با شما مخالف است با ما هم مخالف است ، حضور وسیع شما را در دولت دیده نمیتواند لهذا حق شما در این که بامن توافق کردید نیست بیشتر از این است ولی شما این را در بین مردم اعلان نکنید به رادیوها اعلان نکنید ، ما بدولت پیوستیم و به پاکستان و ایران رفتند ، ایشان هیچ برگیه ای نداشتند غیر از اینکه افتخار بکنند که حزب وحدت به دولت پیوسته و بهایش راهم از - پاکستان گرفت و هم از ایران ، اما وقتی که برگشت این تعهدات را عمل نکرد ، نصفش را هم عمل نکرد ۱ ولی ما چون مردمی هستیم که تعهد کردیم که این را افشانی کنیم و این نوشته را بیرون نمی دهیم لذا با همه تخلفش ندادیم ...

و اما آمدیم که جنگ چرا بوجود آمد و چندان را چار دارند ؟ آیا چندان و لایک راه نظامی حرب وحدت بود ؟ آیا چندان درش روز جنگ با حرب وحدت



با حضور حزب وحدت اسلامی

هزاره جات باستان در پی حوادث و هجوم های مکرر در صده های اخیر ضربه های کشنده و مهلکی را نیز متحمل شده که منجمه در دمنده و بیاتلخی میتوان دوران - جفاهائی را که در جنگ تحمیلی هفت ساله عبدالرحمن خان خون آشام بر ملت ما روا داشت نام برد، که بدستور و کمک مستقیم انگلیس طی سالهای (۱۳۰۷ هجری قمری) صورت گرفت .

گرچه امیر عبدالرحمن خان سفاک درین هجوم قصد محو کامل این ملت غیور را از مدینه جغرافیائی هزاره جات داشت که به این ارزوی پلیدش نرسید، اما با تهاوی بیش از ۶۲٪ این مردم از کاروان پیشرفت عقب انداخت و به مظلومیت کشاند و برای سالیان درازی شعله های آتش فشان آزادی - خواهی را که از کوه های سرفلک کشیده بایا و هندوکش زبانه میکشد و توجه بشریت آنروز را بخود جلب نموده بود کم فروغتر ساخت .

تاریخ در بررسی وسیله های سرکوب هزاره جات نشان میدهد که : یکی از عوامل مؤثر که در بار عبدالرحمن خائین در اختیار داشت ، عناصر خود فروخته و مزدوری از درون - ملت هزاره بود، انها یکه نمک خوار و ریزه خوار دسترخوان عبدالرحمن بودند هر کدام در میان ملت وجهه هائی نیز داشتند ، یا از موقف ملوک الطوائفی ، یا از نظر منطقه ای از نفوذ قومی برخوردار بودند و ... که پست ترین عملی را نسبت بجامعه شان انجام دادند . تاریخ هیچگاه از آن چشم پوشی نخواهند کرد، نسل اندر نسل خیانت آنان را بازگو نموده و خواهند کرد .

یکی از مورخین پژوهشگر در تاریخ هزاره جات چنین برداشتی دارد .

" قدمت تاریخی زیست و زندگی هزاره هادر هزاره جات ، بیشتر از طول و پهنای تاریخ است ، منتها در ادوار مختلف تاریخ این خطه باستانی و مردمان ساکن آن که اکنون هزاره یاد میشود دارای نامهای قبایلی مختلف قومی بوده و منطقه نیز دارای اسامی مختلف به ارتباط وضعیت طبیعی و جغرافیائی اش بوده است .

این سرزمین باستانی با تاریخ حماسی مردمانش که درون دره ها ، دامنه کوهها کنار دریاها و دشت های حاصلخیز آن به حیات پرداخته اند هیچگاه از زبان تاریخ فرو نیفتاده است ، تاریخ مبارزات و تمدن این خطه که پنجاه سال در قرون گذشته و نسلهای آینده بخشی از زیباترین فصول تاریخ منطقه بوده است و خواهد بود .

قلل شامخ و دره های زیبایی هزاره جات و ساکنان قهرمان آن همچو کام ازدها در طول تاریخ نگذاشته اند سم اسپ مهاجمین در خم و پیچ دره های آن به آرامی بر زمین نشینند

کوروش هخامنشی با تهاجم وحشیانه اش از چنان خاک در چشم شد که بزودی مژه تلخ



آنرا اسکندریونانی با حسرت و اندوه درگور برد ۰۰۰ هزاره هادر کنار ابومسلم ، حمزه غرجستانی کرامیان ، جنبش شیعیان و ابوبلال و غیره تا پای هستی ایستادند .

قشون مهاجم چنگیز خان در کام دره ها ، معبرها ، شهرهائی چون بامیان و حصارهای جنگی هزاره جات از اشیا و تاتولک دمی نیاسود و هزاره هادرین رستخیزملی ۰۰۰ به اتکابازوان خود در درون حصارها پس صخره ها و دره های دشمن شکنش چشمان مهاجمین را با تیر کمان دوختند ۰۰۰ آری درین سرزمین از دل هر انسان برق آزادی و وطن پرستی می خروشد ، هزاره هادر زمینش را آغوش مادری پندارند و در تهاجم خونین مهاجمین و دروغو غای آتش توپ ، تفنگ تنها این آغوش مادر سنگر و پناه گاه آنها بوده است و تصمیم دلاوران هزاره علیه مهاجمین بر آشیانه شامخ شان ، اراده ایست به عظمت واقعی تاریخ مبارزه و دفاع میهن پرستانه و درین تصمیم همواره بدشمن از چله کمان و ماشه تفنگ پیام مرگ فرستاده اند اگر در پی آمد این تصمیم تعصب فاشیسم زمانی از کله ارادی خواهانش کله منارها برافراشت اگر چهل دخترانش برای حفظ غرور و نوامیس اش خود را از قله کوهها به پایان انداخت اگر از ادیخواهانش در قعر چاههای نمناک جا سپردند ، اگر دست و پیاوردانیان آن به کنده بسته شد هرگز برق غیرت و میهن پرستی از چشمان عقابان هزاره باز نماند ایستاد ، با وجودی که اگر خودکشته شدند

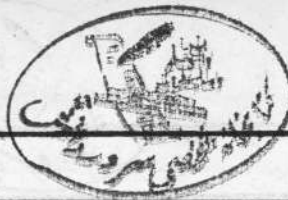
ولی رد پای درخشان مبارزه بر ضد ستم و تهاجم را با خط زرین از مقاومت در شهر غلغله تاحصار اشیا و وارزگان (یاغستان) حک تاریخ ساختند و بدین ترتیب رسم وفاداری و نگهبانی به این مادر بزرگ را خوب بجا آوردند و در نتیجه باید گفت که این همه جان فشانی ها همه به خواطر آزادی هزاره ها آریوغ بیداد ستم و شکوفائی هزاره جات بود . (۱)

آری هزاره جات در گذشته ها چنین وضعیتی داشته ، و اما در دهه های اخیر که افغانستان توسط ارتش سرخ شوروی (سابق) اشغال گردید اوراق تاریخ نیز در سرنوشت منطقه و ملت شریف هزاره دیگرگون گردیده انقلاب اسلامی توسط همین ملت آزادانه از محدوده دره صوف و بامیان آغاز و در کمترین فرصت سراسر هزاره جات بار دیگر همانند نیاکان خود کمر همت را محکم بسته و به زودترین فرصت اشغالگران را نیز از سرزمین شان پاک سازی نمودند ، تو گوئی آتش فشان های تاریخی هزاره جات دوباره شعله ور شده و به فوران آغازیده است .

آری ملت مسلمان هزاره مردانه و قهرمانانه نگذاشتند اشغالگران و ایادی شان در آن خطه دمی بی آسایند ، بلکه بساط ننگین آنرا جمع نموده و با ایجاد سیستم اداری و سیاسی مستقلانه به اداره مردم خود و به جهاد بی امان خویش علیه اشغالگران در محدوده های همجوار ادامه دادند ، سرانجام اشغالگران و مزدوران شان شکست خورد و با استقرار حکومت موقت اسلامی مرحله جدیدی از مبارزات حق طلبانه ملت مادر جهت تحقق عدالت اجتماعی آغاز گردید .

درین مرحله ملت نجیب هزاره و تشیع پس از ۱۴ سال جد و جهد ، ایثار و فداکاری و تقدیم شهدای بس زیاد در حالیکه نهال نورس انقلاب با شکست اشغالگران و بقایای آن به بار نشسته بود و خانواده های شهدای انقلاب در انتظار این بودند تا ببینند که ثمره خون پاک فرزندان صدیق شان چه ارمغانی بجامعه می بخشد ؟ ولی

متأسفانه خارهای دیگری بر سر راه شان سبز شد ، فاشیسم در قالب دیگری بروز کرد متعصبین سرازلانه ها و بیرون مرزها برافراشت ، انحصار گرایان همانند جگه خون کش به غارت و غصب بیت المال و پست های دولتی و منصب چسبیدند و ملت غیور هزاره را بمتابه ملیت های محروم دیگر در تعین سرنوشت آینده شرکت ندادند اما فرزندان صدیق ، رزمندگان سلحشور هزاره همانطوریکه در طول جهادی امان ۱۴ ساله به نیروهای اشغالگر و بقایای آن مجال حاکمیت بر سرنوشت شان رانداده بود و خرمن آرزو - صفحه ۱۱



نیمه شعبان

ار: استاد محقق افشار

سحرگاه نیمه شعبان سال (۲۵۵) بود که حجت خدا، سرور دنیا و آخرت، قائم آل محمد ولی عصر و امام حضرت مهدی عجل الله فرجه و روز قنای الله لقاؤه در سامرا چشم به دنیا گشود و جهان را از نور وجودش روشن و منور ساخت، هیچ شیئی با برکت تر از این شب بزرگ نیست، نیمه شعبان ولادت نور است و روز شکوفائی امیدها، ۱۵ شعبان شیرین ترین و خجسته ترین روز در سال است و یکی از بزرگترین اعیاد اسلامی میباشد، ۱۵ شعبان روزی است که امیدوار زود در قلب صدها هزار انسان محروم و مظلوم در این دنیای پراز ظلم و جور زنده میشود و انتظار فرج در تمام محرومین و ستمدیده گان و شیعیان و محبان متجلی میگردد، ۱۵ شعبان روز امام زمان است هموکه بدعت ها از بین می برد و ضلالت ها را محومی سازد و هر سنت مقدسی که در اثر امواج تاریک فتنه هادر طول دوران پس از رسالت محوشده هر حکم الهی که معطل مانده احیاء میکند.

۱۵ شعبان روز مبارک ولادت با سعادت حجت الله خاتم الائمه خلف صالح قائم بحق صاحب الزمان علیه السلام است، عید نیمه شعبان بر همه محبین و شیعیان آن حضرت در جهان مبارکباد.

انقلاب بزرگی که پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد مصطفی (ص) بر پا کرد، آغاز نهضت جهانی نوینی بود که انسان را از ظلم به نور و همنمون ساخت و نقطه عطف در تاریخ بشریت بود که اوضاع سیاسی، اجتماعی اقتصادی آن زمان را دگرگون کرد، پرتو این نهضت تا خلافت امیرالمؤمنین علی (ع) - ادامه داشت و حضرت همان برنامه را بر همان عنوان دنبال کرد ولی بنی امیه را این وضع خوش نیامد و تلخی انقلاب پیامبر (ص) بر تمام ارزشهای جاهلیشان در ذائقه های شان همچنان وجود داشت و خواب ریاست بر مکه و حجاز را بر سر می پروراندند، این بود که جبهه ای به سرکردگی معاویه در برابر جبهه حق علی (ع) گشودند و نبرد خونین در طول سالهای خلافت علی (ع) جریان داشت و پس از شهادت امیرالمؤمنین (ع) جهان اسلام مواجه با فساد بیشتری از طرف امویان شد تا آنجا که امام حسن مجتبی (ع) ناچار به صلح مشروط با معاویه گردید، و پس از شهادت امام مجتبی (ع) و روی کار آمدن یزید پلیس خط فساد و انحطاط اخلاقی به اوج خود رسید و امام حسین سلام الله علیه که دیگران وضع را نمیتوانست تحمل کند، علیه حکومت غاصب یزید به قیام پرداخت و منجر به

انقلاب خونین کربلا گردید که فجع ترین حادثه، تاریخ بشریت با شهادت سیدالشهدا و فرزندان و خویشان و بیارانش بوقوع پیوست در زمان امام سجاد (ع) این وضع اسفناک همچنان وجود داشت و حضرت گرچه بصورت ظاهر توان مقاومت آن وضعیت را نداشت ولی در پنهانی زمینه را برای امام پس از خود حضرت امام محمد باقر (ص) آماده میساخت در چنین زمانی نیز فواره طغیان امویان رویه سراسیمه سقوط نهاده بود، امام سجاد (ع) - شهید شد و دوران امامت امام پنجم (ع) فرا رسید، اکنون امویان پس از آن همه ظلم و ستم و جور و فساد و طغیان رویه نیستی و نابودی گذارده بودند و امام باقر (ع) از فرصت استفاده کردند سردمداری حرکت علمی گسترده شد و انقلاب جدیدی را آغاز کرد که این نهضت علمی در دوران امام صادق (ع) و امام کاظم علیه السلام پیشرفت محسوسی داشت و تا زمان امام هشتم (ع) ادامه داشت و شیعیان آن حضرت بصورت ظاهر در آزادی نسبت خوبی بسر میبردند و مجالس علمی رویه از دیاد نهاد و پرتو این نهضت علمی تاحجاز و عراق و شام و ایران رسید پس از شهادت امام هشتم (ع) نوبت به امام محمد تقی (ع) رسید و باز این دوران دوران جدیدی بود، رژیم عباسیان که سخت در وحشت از وجود امام معصوم علیه السلام بود دیگر مجال تحرک به آنحضرت نداد و روش فساد و اختناق راحتی بصورت ظاهر پیش گرفت و زندگی سختی شیعیان را در آن دوره تاریک غاصبان عباسی فرا گرفت اینجابود که امام محمد تقی (ع) روش نوینی را در ادامه دادن به انقلاب جهانی جدید را گوارش در پیش گرفت، حضرت پیروان خود را چنان تربیت کرد که در نهانی میتوانند مسایل انقلاب و نهضت را دنبال کنند و با افراد تماس بگیرند و اوضاع اجتماعی، سیاسی را از این راه ب مردم منتقل نمایند و بدینسان در پنهانی وبه دوره از دیده گان جاسوسهای سازمان امنیت شریعت محمد (ص) توسط شیعیان راستین نگهداری شد و این برنامه تا زمان امام عسکری سلام الله علیه ادامه داشت زیرا وضعیت سیاسی شدیدی امام هادی و امام عسکری (ع) را در بر گرفته بود و رژیم از ترس تماس شیعیان با امامان معصوم خود یک پایگاه نظامی کنار منزل آن دو امام تاسیس نمود و منزل شان را تحت محاصره پلیس مسلح خود قرارداد (ولذا آن دو بزرگوار را - عسکریین مینامند) و فشار در دوران امام یازدهم (ع) به اوج خود رسید که چندین بار حضرت را دستگیر نموده وبه زندان افکندند و تا آنجا پیش رفت که حضرت ناچار شد ولادت با سعادت فرزند عزیزش امام

دوازدهم مهدی موعود (عج) فرجه را از بیگانگان مخفی نموده و جز خواص اصحاب کسی از ولادتش خبر نداشت و از همان آغاز جز خواص آن هم گاهی از اوقات کسی به دیدارش مشرف نمی شد، تا اینکه امام عسکری (ع) از دنیا رفت و امامت به حضرتش منتقل شد، حضرت برای ارتباط با مردم سفیرانی قرارداد که مسایل و مشکلات مردم را حل می کردند سفرای حضرت در دوران غیبت صغری عبارت انداز:

۱- ابو عمر عثمان بن سعید عمروی حدود پنج سال سفیر حضرت بود، این مرد جلیل القدر وکیل و نماینده حضرت امام هادی و امام عسکری (ع) نیر بوده است، پس از وفاتش امام زمان (ع) غمگین و محزون شد و در نامه که بعنوان تسلیت بفرزندش محمد ابن عثمان نوشته است، چنین آمده: مصیبت بر شما و ما وارد شد و فراقش تو و ما را نگران کرد خدا و او را در بازگشتش بسوی او مسرور و خوشحال گرداند از بزرگترین سعادت های او همین است که خداوند فرزندش مانند توبه او عطا فرموده است که جانشین شود و جایش را پر کند و بر او رحمت فرستد.

۲- ابو جعفر محمد بن عثمان همانگونه که از نامه تسلیت امام علیه السلام ملاحظه کردید، پس از درگذشت عثمان بن سعید عمروی حضرت فرزندش محمد بن عثمان را به سفارت خود برگزید، این بزرگوار تقریباً مدت چهار سال سفیر حضرت بوده است.

۳- ابو القاسم حسین بن روح نوبختی - این بزرگوار بیش از بیست و یکسال سفیر حضرت بوده است او هم مانند دو سفیر دیگر با کمال اخلاص تا دم آخر زندگی در خدمت سرور و مولایش بود.

۴- ابو الحسن علی بن محمد سمری، این بزرگوار نیز از اصحاب مقرب امام حسن عسکری (ع) بوده و مدت سه سال تقریباً سفیر امام بوده است او آخرین سفیر است که پس از وفاتش غیبت کبری آغاز شد و ارتباط مستقیم با حضرت حجت (ع) پایان پذیرفت و در نامه تاریخی مشهوری که امام زمان (ع) به آخرین سفیرش نوشته چنین آمده است: "بسم الله الرحمن الرحيم، یا علی ایمن سمری عظم الله اجرا خوانك".

(ای علی بن محمد سمری خداوند پاداش برادرانت را در فقدانت عظیم گرداند تو از امروز تا شش روز دیگر قطعاً از دنیا می روی پس کارهایت را زود براه کن و به هیچکس پس از خودت وصیت نکن که جانشینت باشد چرا که غیبت کبری آغاز شد و دیگر هیچ ظهوری برای من نیست مگر پس از اینکه خدای متعال اجازه و اذن دهد، و این نباشد جر



متن سخنرانی

رابطه داشت ؟ برایش مهمات می رسید ؟ غذامیرسید ؟ سلاح می رسید ؟ ۰۰۰ چه بود ؟ ۱ شاهمه می دانید که صرف يك پایگاه سی چهل نفری برای دفاع مردم چنداول بود که رابطه اش در روز اول قطع شد، پس چنداول را چراندند ؟

چنداول ، چنداولی است که در سال ۱۳۵۸ بعد از آنکه سایه کمونیستها در همه این مملکت انداخته شد، تمام رهبرانی که امروز رهبر جهادی اند، فرار کردند، انجمن وحشت در این مملکت حکم فرما شده بود که باورش نمی آمد که کسی بتواند در مقابل این حکومت با حمایت اتحاد جماهیر شوروی که پشتش ایستاده بود، قیام بکند، ولی چنداول - شجاع این پایگاه علی (ع) در بیست و دوم - سرطان ۱۳۵۸ قیام کرد .

انروز برای این رهبران ، غیر از این بود یا چیزی وجود نداشت که بالایش بنشینند و از این خون چنداول بود که صاحب همه چیز شدند چنداولی که امروز همه را دیوها گفتند و تاریخ هم نوشته کرد که دوازده هزار کشته و دستگیر داشت ، چنداول امروز محاصره شد و تمام پایگاههای خلق و پرچم در آنجا توسط مردم ماخلع سلام گردید و بیش از دوصدمیل سلاح به غنیمت درآمد، انروز هم وارد چنداول شدند و کمونیستها مسجد صادقیه را زدند که پایگاه مذهبی و سیاسی شیعیان اینجاست ، انروز تمام جار محاصره کرده بودند و یک هفته مردم ما را بعنوان بینی پوچوقان دستگیر می کردند ، این همان چنداول است امروز فقط لفظش تغییر کرده است ، امروز می گویند که قلفک چپات ، امروز مدرن شده اند .

بلی انگیره ، اینکه اینها چنداول رامی گویند این است که اینجا پایگاه علی است و شیعیان علی را اینجا حرکت کرده است - در تاریخ کابل نیز مشخص و معروف است که پایگاه شیعه چنداول است ، از این جهت است که باید چنداول را بر نندان روز که همه مثل موش فرار کرده بودند و یکی هم در این مملکت نشسته نمی توانست چنداول دوازده هزار کشته داد ، حالا که حکومت حکومت اسلامی است به پاس اینکه این مردم را احترام می کرد و ویک مقررری انقلابی ، برایش تعیین می کردند متأسفانه در این جنگ باتوپ و تانک همانطور کوبیدند و چنداول را همان طور مثل کمونیستها زدند - مسجد جعفریه را خراب کردند ، مردم را زیر آوار کردند ، برای اینکه " اینجا درم سال هزاره هاست " ۱۱

اری ، فرق نمیکنند ، تاریخ تکرار میشود شمایک چیز دارید که ان عقیده شمایه علی (ع) است و از خاطر این عقیده اگر مارکسیست به این مملکت بیایند شمار می گوید و اگر به اصطلاح مسلمانها هم بیایند شمار می گویند و شما این افتخار را دارید که پیرو علی هستی دوار - حیثیت تان دفاع می کنید .

من از طرف حزب وحدت و مسئولین حزب وحدت دست پرتوان شما مجاهدین چنداول رامی بوسم ، شما در تاریخ تشیع فراموش نمی شوید ، شما پنج روز بدون اینکه کدام کمک بشما شود از حیثیت و آبرو و ناموس شیعه دفاع کردید و کسی را نگذاشتید که وارد آن شود ، درست است که چنداول خراب شد ولی مهم نیست ، شما افتخار آفریدید ، من معتقدم که شما مردم باقی اهالی بشتابید و چنداول را آباد کنید ، چون این جام افتخار تشیع است ، از ان روزی که در کابل شیعه شیعه بود ، مقررش در چنداول بوده ، کسی در سر نپروراند و در خیال نیارود که از چنداول جای دیگر برود ۱ این قریانگاه شماست و این میعاد گاه شماست ۱ انرا آباد کنید انروز که شیعه قیام کرد و در کابل حماسه آفرید و کسی دیگری نبود که مثل آنها کاری بکند ، همه شکر می کشیدند انروز افتخار می کردند اما امروز درم سال گفته می گویند امروز باز شمار باید هزاره گفته بگیرد فرق نمی کند ۱ ما این افتخار را داریم و بسیار مفتخریم و بسیار خوشحالیم ۱

همانطوریکه در اول خدمت تان عرض کردم خدارا شاهد می گیرم و شما را هم شاهد می گیرم که طرفدار جنگ نبودیم و نیستیم و بعد از این هم نخواهیم بود ، ولی این افتخار را داریم و می کنیم که تعهد گذاشته ایم از مردم خود دفاع کنیم ، این تعهد را به شما سپرده ام که

از مردم خود دفاع کنم و حتی اگر یک مر می هم داشته باشم برای دفاع مردم می دهم ، حالا اگر کسی ، یا کسانی بیایند و تبلیغ کنند مرا جنگ طلب بگویند ، هیچ باکی ندارم ۱ من این افتخار را دارم و شما این افتخار را بمن دادید ۱ ما این تعهد را بشما سپردیم که جنگ را آغاز نمی کنیم ولی اگر کسی بر سر حیثیت مردم ماتجاوز کند دفاع می کنیم و جواب می دهیم ، چنانچه که در این شش تاجنگ -

جواب دادیم . همان طوریکه در اول خدمت شما عرض کردم که شما از نگاه سیاسی پیشش هستید و درک می کنید و میفهمید ، حالا هم از شما تقاضای کنم که بین خادم و خائن فرق بگذارید کسانی بودند که بنام دفاع شما خیانت کردند ، با دشمن شما ساختند توافق کردند ، ولی از شما دفاع هم نکردند حالا هم جوسازی هایش را قبول نکنید بین خادم و خائن تان فرق قائل شوید که چه کسی برای شما خدمت می کند و چه کسی خیانت ؟

من این افتخار را دارم و این افتخار هم افتخار بسیار بزرگی است تعدادی از مسئولین جهاد رفتند و با برادران تسنن ما نشستند و گفتند که حق هزاره را از شما نمی خواهیم ، بیایید بامن کنار ، ولی با حزب وحدت که مسئولش فلانی است و اوج حق هزاره رامی خواهد ، هیچ وقت شما جور نمی آید ۱

بلی ، من این افتخار را دارم و با این افتخار خود باشما مردم تعهد کردم که حق شمار می خواهم و تعهد کردم که در رابطه با حقوق سیاسی و مذهبی شما مردم هیچ وقت وارد معامله نشوم و خیانت نکنم ، حالا هم این حرف را بشما می گویم و تعهد می سپارم و شمارا هم که با این بیداری می بینم امیدوارم که در آینده هیچکس نتواند سر شما

معامله کند و حق شما را ضایع نماید ، جلو همچو نفر را هم انشالله با بازوان پرتوان شما می گیرم ۱

در جنگ اخیری که پیش آمد ، چیزی را که مطمئناً " شما در جریانش نیستید - لازم است بگویم و ان اینکه وقتی جنگ پیش آمد پنج روز شمارا کوبیدند و شما خوب می دانید که ما این جنگ را گسترش ندادیم و مرتب بهمه قوماندانهای عزیزم هیئت فرستادم که جلو جنگ گرفته شود ، مسئولین هم در اینجا حضور دارند ، حرفی که بسیار جالب است که من معتقدم در اینجا تاریخ ۲۵۰ سال دارد عوض میشود ، این مسئله است که برادر هایی که با ما و شما همسو بودند و ما هم باهمین همسوئی چهارده سال یا اقلش از سال ۶۸ و ۶۷ که خدمت تان گفتم ، با انهارا راه رفتیم وقتی که نیروهای فرقه ۵۲ بانیروهای وزارت دفاع درگیر شد ، هیئتی از طرف آقای ربانی و مسعود پیش آقای حکمتیار رفتند و در آنجا گفتند که جنگ واقعی فعلاً " پیش آمده اینجا منافقین با ملحدین یکجا شده و با اسلام می جنگند ، منافقین یعنی شما (هزاره ها) و - ملحدین یعنی نیروی شمال ۱ بهرحال از آقای حکمتیار میخواهد که بیدار این جنگ وارد شو این نامه را نورالله عماد به آقای حکمتیار نوشته و این نامه که حالا در پیش ما است به همین عبارت که برای شما می گویم میباشد . خوب در مقابل چه شد ؟ اینجا است که می گویم چرا تاریخ عوض شده ؟

آقای حکمتیار جواب می دهد که من وارد جنگ نمی شوم می گوید شما باید بی طرف باشید ، می گوید : که همچو تعهدی هم ندارم ، ولی برخلاف آقای حکمتیار خودش پشت بی سیم آمد ، بامن صحبت کرد که تکلیف ما چیست ؟ اجازه می دهید که ما به حمایت از شما در این جنگ وارد شویم ؟ من گفتم نه ، ما نمی خواهیم جنگ گسترده شود ، ماهیت های صلح فرستادیم و آتش بس اعلان شد ، شما وارد نشوید ۱ شما از اینجاست آخربخوانید که ای بابا و دو مود پناه ساله ما شما که چهارده سال همسویی نشان دادیم درست است یا این عملی که اینها کردند ؟

البته این راهم برای شما بگویم که نیروی پنجاوسه با ما هیچ تعهدی نداشت که به کمک ما بیاید ، دوساعت پیش سه نفر واسطه از طرف آقای ربانی آمده بود که جنگ را صلح بکنند با اینکه سه روز پیش اعلامیه آتش بس را به امضاء جناب آقای خلیلی قبول کرده بودیم که آنها از رادیو پخش نکرده بودند هیچ تعهدی نداشت ، هیچ پیمانی هم نداشت تبانی هم نبود که نیروهای ۵۳ به کمک ما بیاید ، در این جای شك نیست که آنها يك ملت محروم هستند و ما هم يك ملت محروم هستیم و رابطه ما خوب است ولی این شورای نظر بوده که جلوراه آنها را کمین زد -

دوازده نفرشان را کشت و انهم پس از آنکه آنها قبول کرده بودند که بیایند و هیئت صلح شوید و بین دنیرو و فاصله شوید همان بود که این مردم قهرمان و شجاع در ظرف دوساعت شصت و شش قرارگاه شورای نظر را گرفتند و هفت صد نفرش را اسیر کردند ، در همان وقت با ماتماس گرفتند که شما آتش بس را قبول کردید ما چه کار کنیم ؟ دل ما برای چنداول می سوخت و با اینکه آتش بس را قبول کرده



بودیم و از رادیو اعلان شده بود گفتیم اگر بتوانید چنداول ما را از محاصره خلاص کنید نیروهای ما از اینطرف می آیند ، گفتند خوب است و اگر چه آقای دوستم ما را از پیشروی منع کرده است ولی شما که می گوئید ، حرفی نداریم ۱ نیروهای شما از انطرف حرکت بکنند و ما هم می آئیم .

مساء سفانه ماکه نیروها را قومانده کردیم که باید چنداول از محاصره خلاص شود و با مردم تشیع و منطقه حزب وحدت وصل شود ، آن شب بعضی از دوستان کار شکنی کردند و این را نگذاشتند که عملی شود . تحلیل شان هم این بود که کمونیست ها حاکم میشوند ۱ - یعنی نیروهای شمال که برای شما و کمک شما آمده کمونیست هایندا اگر خدا این لطف را نمی کرد و نیروهای شمال درگیر نمی شد به هیچوجه نیروهای وزارت دفاع به اصطلاح آتش بس را قبول نمی کرد . از این برادران از این دوستان بایست بپرسیم که ایاسیاف اگر حاکم می شد ، زندگی مرفهی را برایتان بوجود می آورد ؟ ۱ نیروهای شمال که دین خود را به مردم و انقلاب ادا کرده و در حالیکه تمام رسانه های بین المللی و سیاست مداران و حتی خود مجاهدین به این نتیجه رسیده بودند که راه نظامی دیگر نقش ندارد و باید راه سیاسی جستجو کرد و حکومت بی طرف را قبول کرد آنها آمدند و حکومت را سرنگون کردند ، حالا آنها نیروهای مارکسیست شده اند و آقای سیا که شش تاجنگ را سر ماتحمیل کرد اسلامی شده اند ۱۱۱

آری ، ما چون پیروان علی هستیم از راه علی می رویم علی را که ضربه زد ؟ علی را کی کشت ؟ خوار بود ۱ و در آن روز که پیغمبر صلی الله علیه و آله را در جنگ عمرو بن عبدود می بیند می گوید : " کلی اسلام بسوی کل کفر رفت " و - علی (ع) در آنجا افتخار نمی کند ولی در جنگ با خوار افتخار میکند می گوید ، من بودم که چشم فساد را از جامعه بیرون کردم . این فکر فخر خوار است و این خطرناک است که مردم ما باید متوجه باشد ، هر کس که با مقدس نمایی و شب نمازی این طور فکر بکند و از مردم مدافع نکند ، خائن است امروز مسئله ای را که باید برای شما بگویم واقفا بکنم این است که مواظب باشید که امروز از وحدت شما می ترسند ۰۰۰ امروز شما هیچ چیز ندارید غیر از وحدت و همبستگی ، این وحدت و همبستگی را رهبران احزاب بوجود نیاوردند ، ما اینجا پیش شما اعتراف می کنیم که بعنوان حزب وحدت این وحدتی را که شما در این شش جنگ - اثبات کردید ما بوجود نیاوردیم ، مسئولین دیگر که اصلا " راضی نبودند ، خودتان می دانید در جنگ اول که شما دفاع کردید گفتند که این جنگ ، جنگ بی مفهوم و بی معناست ۱۱ این را شما بوجود آوردید ، شما مردم ! چون دشمن مشترک ، بعنوان هزاره و شیعه ، شما را می زد و شما هم دفاع کردید ، مسئله خطرناکی که در اینجا است و در تاریخ مردم ما هم تکرار شده و باز هم تکرار میشود ، مسئله نفاق است ، دشمن از رویارویی با شما عاجز شده است دشمن تمام توان خود را برای کوبیدن شما خرج داد ولی امروز دوتاریاست را فعال کرده و پول هنگفتی را در اینجا صرف میکند برای اینکه بین حزب

وحدت و حرکت اسلامی نفاق ایجاد کنند - قومانده انهای وحدت را بخزند برای این منظور پول مصرف میکند ، این توطئه ، توطئه خطرناک است .

مردم قهرمان هزاره در زمان امیر عبدالرحمن هفت سال جنگید و برای عبدالرحمن نامه نوشتند که اینقدر نامرد هستی که وقتی مرز جغرافیایی افغانستان را مشخص می کنی ، یک طرفش راهزنان را نمی گویی و می نویسی که اینجا یک طرف هند است و یک طرف روسیه است و یکطرف ایران آنها این غیرت و این قدرت و این شهامت و این غرور را در مقابل عبدالرحمن داشتند و او هم عاجز آمده بود ، لهذا از حیل کار گرفته یکسری از سران هزاره را خرید از یک سری علمای متعصب تسنن از شصت نفر اخوند شان فتوی گرفتند ۱

امروز هم دشمن که از رویارویی با این مقاومت و شهامت عاجز آمده است و میخواهد که از این راه شمارا بشکنانند ، مواظب باشید ، تعهد بسپارید که یکی هستمید هر کس بیاید در بین شما مسئله گروه ، قوم نژاد ، تفرقه را تبلیغ بکند ، جلوش را بگیرید امام مسئله حکومت و وضعیت فعلی :

این شورای حل و عقدی را که حزب وحدت ، سر نمایندند هایش که باید بر اساس نفوس بیاید فشار می آورد و شاید بیش از ۲۰ - روز سر این مسئله پافشاری شد و قبول نداشتند که نماینده بر اساس نفوس باشد ، چرا آمد ، تحریم کرد ؟ این سؤال پیش همه شما مطرح است که می گوئید چرا ؟ این شورا غیر مشروع است که درباره اش باید خدمت شما عزیزان توضیح بدهم و بگویم اول وقتی که نماینده های هفت تنظیم جهادی در کمیسیون مرکزی حل و عقد اعلامیه دادند و از تخلفات زیادی که از طرف حکومت در این شورا صورت گرفته پرده برداشتند و این سند موجود است ، غیر از نماینده ، سیاف و جمیعت اسلامی هفت تنظیم دیگر نوشتند بعد ما که آن همه پافشاری می کردیم ، چرا تحریم کردیم ؟ برای این مسئله حالا خدمتتان عرض می کنم .

بار اول پیش از اینکه دوره چهارم و پنجم روزه آقای ربانی تمدید شود ، مادر جای پیرو گیلانی جلسه داشتیم و پنج حزب در آنجا حضور داشتند ، حرکت اسلامی حرکت انقلاب ، جنبه نجات ملی ، محاذ ملی و حزب وحدت البته همان طور یک خدمت شما عرض کردم که بخاطر یک جوق گفتن آقای مجددی ، ایشان برای حزب وحدت و مردم حزب وحدت احترام خاصی دارند .

شما عادت مریبلد هستید ، در این پنج ششماه هم دیدید که من زیاد در این جلسات نمی روم و علاقه هم ندارم ، آقای مجددی به من تلیفون زد که بین ما و پیروز جلسه هست شما هم بیائید ، من با توجه به احترامی که به ایشان داشتم ، رفتم ، رفتم که آنجا یک تشکیلات مفصلی را در خانه پیرو راه انداخته اند ، از حرکت اسلامی چهار پنج نفر ، از حرکت انقلاب دونفر ، از محاذ هشت ، نه نفر ، از نجات هم همین طور هشت نه نفر از حزب وحدت من تنهارفته بودم ، خوب اینجا بحث شد که زمان آقای ربانی تمام شد و مجلس حل و عقد هم دایر نشده بایست در شورای قیادی که دایر می شد نظریات همه رهبران مراعات می گردید ، همه صحبت

می کردند ولی من صحبت نکردم ، چون اول اینها گفته بودند که صحبت میان افراد محدود است حالا در این مجلس با این همه کمیت آن چگونه میشود صحبت کرد ؟

آقایان از من خواهش کردند که لا اقل یک حرف بزنم و نظریاتم را بگویم ، بعد که اصرار زیاد شد گفتم که به نظرم شورایی باید عادلانه تشکیل شود ، سوء استفاده از قدرت و بیت المال مردم صورت نگیرد باید کسی که در مدت دوماه یا چهل و پنج روز حکومت را در دست می گیرد که شورایی را دایر کند ، این شخص برای ریاست جمهوری در شورای حل و عقد کاندیدا نباشد تا از پول مردم بر علیه مردم استفاده نشود و از قدرت دولت نیز استفاده نشود و شورایی عادلانه دایر گردد ، این طرح را وقتی مادر آنجا ریختم همه قبول کردند ، اول پیرو گیلانی اعتراض کرد که من برای آینده کاندید

هستم و از این دوره تو مرا محروم می کنی ۱ گفتم چیزی که به نفع مردم هست این است بهرحال آنها قبول کردند ، فردایش هم جلسه شورای قیادی دایر می شد ، جلسه شورایی تصمیم گیری و شورای عالی نظارت را تشکیل دادیم و آقای فاضل را توجیه کردیم که فیصله این طور شد ، ایشان هم گفتند ، بسیار خوب . این اول مسئله بود ولی در اینجا آقای سیاف با فعالیت هایی که داشتند و تعهد که از ربانی علیه ما گرفته بود در جلسه شورای قیادی باربردستی این شرط را از بین برد و آقای ربانی را ۴۵ روزه کاندید کرد ، با اینهمه در آنجا به اتفاق همه اعضا نوشته شده بود که بعد از ۴۵ روز اگر شورای حل و عقد دایر نشد ، ربانی به یک روز دیگر تمدید نشود . این راهم امضاء کردند ، بعد از اینکه این مسئله پیش آمد ، کمیسیون ، دایر شد نماینده هاتعیین شد ، لایحه هم در شورای قیادی مصوبه شد ، در اینجا آقای ربانی پولی را که در این راستا مصرف کرد ، دوازده میلیارد و چهار میلیون است ۱۱۱ و این پول از وزارت مالیه بیرون شده بدون آن پولی که از وزارت دفاع و امنیت و وزارت داخله در این راستا کشیده شده و برای تبلیغ مورد استفاده قرار گرفته است ۰۰۰ مساء سفانه یا خوشبختانه این پولی را که مصرف کرده تافلان اخوند را بدهد ، فلان قوماندان را بدهد ، فلان ولایت را بدهد ، که آیت الله صادقی با خود ربانی صحبت کرده بود که دوتی پول در دست شما هست ، بکنو پول مشروع که سهمیه برای ولایات هست و برای ولسوالیها هست این پول را به همه دادید ولی به مناطق حزب وحدت و مناطق شیعه نشین نداده اید و یک نوع پول غیر مشروع در اختیار شما هست که باز هم بهمه احزاب داده اید ولی به حزب وحدت نداده اید !!!

این صحبت هایی بود که پیش از مجلس حل و عقد شده بود و در این جامن که خوشبختانه می گویم به این جهت است که بحمد الله ملت ما همانطوریکه در طول تاریخ اش سر بلند و پاک است که به هیچ معامله ی و به هیچ خیانتی چه داخلی و چه خارجی دخالت نداشته است در اینجا بار هم از این



سوم شعبان

نورهدایت در آسمان امامت

از: قصبه‌نویس

"الحسن والحسين بيدي شباب اهل الجنة"

حسن وحسين دوسرور جوانان بهشت اند.

بنابر روایت صحیح میلاد با فضیلت سیدالشهدا، روز سوم شعبان المعظم سال چهارم هجرت رسول خدا می‌باشد. امام حسین (ع) هفت سال دوران رسالت جد خود، ادرك فرموده و سی سال با پدر بزرگوار و ده سال تمام در دوران امامت برادرش امام حسن مجتبی (ع) تداوم حیات داشت و مدت امامت آن حضرت تقریباً ده سال بوده که در دوران امامت شان مولا حسین ع - بمبارزات عظیم برای اصلاح امت جسدش از کجراهی و فساد لحظه آرام نگرفت که بالاخره آنچه داشت در حادثه فراموش نشدنی و دلخراش کربلا در حضور حق تعالی محبوب و محمود همیشگی اش، در طبق اخلاص گذاشته و فدا نمود.

کمه تاریخ رسالت پیامبر (ص) خدا در این راستا باقیام امام حسین (ع) در مقابل سفاک ترین انسان تاریخ، حیات و تجدید و تکامل دوباره یافت و بحق ریشه تحرك و خیزش - و قیام و نترسی در برابر هرگونه ظلم و کجروی و انحرافات از دین خدا در دل قاموس همیشه جاوید اسلام با زندگی خاص تثبیت شد.

سخن از ولادت با سعادت مولا حسین است طبق روایت از اسماعیل بن عمیر: حسین یکسال بعد از تولد برادرش حسن مجتبی (ع) - در سوم شعبان چشم بدنیاکشود، پیامبر (ص) بخانه زهرا (س) تشریف آورد و از من خواست اسما، فرزندم را بیاور، اسما میگوید موند مبارک را با پارچه سفید پیچیدم و حضرت دادم، حضرت رسول آذان در گوش راست و - اقامه در گوش چپ این مولود خواند و بعد در دامن خود گذاشت گریه کرد، عرض کردم یا رسول الله گریه شما برای چیست؟ فرمود بر این فرزندم، گفتم او حالا بدنیا آمده فرمود بعد از من گروه ستمگرو ظالم او را بقتل میرساند که هرگز شفاعتم به آن گروه نمیرسد. در مورد اسم گذاری حسین (ع) خاصه و عامه نقل نموده که از پیامبر سؤال و نظر خواهی شد، حضرت پیامبر فرمود من از حق تعالی سبقت نمیگیرم، فرشته وحی فرود می آید و اسم مبارک فرزندان علی (ع) به پیامبر میفرمود و به ترجمه عربی اسم مبارک شیرو شیر، حسن و حسین (ع) است که بنا به

اکثر روایت شیر و شیر اسم پسران هارون است به این مناسبت که مولا علی (ع) نسبت به پیامبر چون هارون نسبت به حضرت موسی (ع) می‌باشد.

آری اسم مبارک مولا حسین (ع) - ملکوتی و آسمانی چون اسم پیامبر و علی است اسم این مولود خجسته اولین بار که در زبان عرب آنروز نکرشد و قبل از این هیچکسی را چنین اسم نصیب نبود و این مطلب رمز خاص و لطف الهی در اهمیت این مولود با کرامت است. درست مناسبت اسم گذاری امام حسین به داستان وحی به حضرت زکریا (ع) در - خصوص یحیی بن زکریا می باشد، هنگامی که بارتعالی می فرماید:

"یا زکریا، انانیشرك بسلام اسمہ یحیی لم نجعل له من قبل سمیا" (ای زکریا ترا بشارت میدهم به فرزند ی که اسمش یحیی است و قبل از او هم نامی، قرار ندادم.

بلی سوم شعبان المعظم روزی است که گل سرخ محمدی سومین پیشوا و امام معصوم ماطلوع نمود و در دامن مبارک مادر چون فاطمه (س) بنت رسول الله پرورش یافت و در مکتب جدش کسب فیض فرموده است او بر مرد مقدسی است که بخاطر زکراسم مبارکش ادم ابوالبشر که همه فرشته گان سر تعظیم برای او بر زمین نهاده، باری تعالی او را عفو فرمود و راستی که ماشیفتگان و مخلصین به مولا حسین (ع) با جان و دل نام مبارک سید الشهدا (ع) را به همیشه حیات خویش در - اعمال و گفتار بیاد داشته باشیم و بی شک پیرو و شیعه پاک او بوده و در کردار و رفتار پیروی او را نمایم که او برای احیای شریعت جدش مبارزه فرمود و در برابر طاغوت زمان ایستاد و تسلیم اغفال، تطمیع، اجبار، نشد.

آری راهی را که نواده پیامبر ص و جگرگوشه علی و فاطمه (ع) رفته است امروز درست در تحرك و خیزش حق طلبانه یاران - باوفای حضرتش در شهر و دیار بخون نشسته خود شاهد هستیم که عاشقان دلباخته و سر بداران پاکدل چون سید جوانان، سالار شهیدان لرزه، نمیلرزند و لحظه، نمیترسند که پیروز شان باد، آری اگر گام به عقب گذاریم و ایمان بمبارزه مثبت خویش را از دست دهیم درست در خط سیاه و تاریک یزید و یزیدیان گام نهادیم که ننگ ماباد وزدوده باد از ما چنین پندار.

تا خون نداد قومی هرگز نکشت آزاد مار است نیرسهمی رین افتخار آخر چنین روز بزرگ بر عموم پیروان حسین مبارک باد.

این ماه بزرگ شعبان که بی شک تومیف داشته دعا و نیایش و روزه گرفتن در این ماه اجر بس جزیل دارد و در خصوص شکوه و جلال این ماه روایت متعدد می‌باشد و خوش آنکه در این ماه شعبان میلاد و اعیاد چند هم بوقوع پیوسته است و درست روز - چهارم شعبان المعظم سال ۲۶ هجری مولود دیگری در خاندان عصمت و طهارت چشم به دنیا گشوده که او را اسم حضرت عباس است در صف آرائی حادثه کربلا ماه تابان بنی هاشم را لقب بخود گرفت.

عابد آل محمد ص (امام سجاده) در - مورد عموی بزرگوارش چنین فرمایش نموده: ان للعباس عندالله تعالی منزلت بغبطه بها جمیع الشهداء يوم القیامه " برای حضرت عباس نزد خداوند تعالی منزلت و جایگاهی است که سایر شهدا به آن در روز قیامت غبطه میخورند.

ابوالفضل العباس (ع) که در سال ۲۶ هجری متولد شد در آغوش نفس رسول الله (علی بن ابی طالب) (ع) تربیت یافته و در - روز ۶۱ هجری در عمر ۳۴ سالگی در رکاب - برادرش امام حسین (ع) مردانه جانبازی نمود بزرگترین درس ایثار، فداکاری و عشق به مکتب حسین را برای ما به ارمغان گذاشته است که امروزه ما شاهد تجدید چنین ایثار و خود گذشتگی و پاکی در خطه خونین وطن در چهره های نورانی و با جوان ستم فرزند ان - صدیق وحدت می باشیم.

آری در مورد این مولود مقدس، صادق آل محمد (ص) چنین میفرماید:

" حضرت عباس ابن علی (ع) عموی مامرد تیزبین، متعهد و دارای ایمان محکم و استوار بود او همراه ابیعبده الله و در رکابش جهاد نمود و با دشمنان دین نیکو پیکار نمود و سرانجام بفیض شهادت نایل شد." ساقی اباده، توحید و معارف عباس

شاهد بزم ازل، شمع شستان است سالروز توند این تجسمی از شجاعت را به همه شیفتگان خاندان عصمت و طهارت بویژه به راست قامتان پاکدل صحنه حق علیه باطل شجاعت مردان " وحدت " در وطن تبریک میگوییم.

پایان
بقیه از: زنده جاوید...
قصیحی و پدر شهید احمدی و هم مادران بسته گان و دوستان این عزیزان در سوگ نشستن قطرات عطر اکین اشک پدر، مادر شهیدان توام با افتخار در پیشگاه حق تعالی و بار مرهم در دل... و منهم من ینتظر... و به زبان ایه ارجاع " انالله وانا الیه راجعون " راجاری و ساری. که بی شک همگان را از روی شهادت - در راه خداست.



سیمای امام

امام زین العابدین سیدالسادین علی بن حسین سلام الله علیه در روز پنجشنبه پنجم ماه شعبان المعظم ۸۸ هـ دو سال قبل از شهادت جد امجدش امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع) در مدینه منوره متولد شد دو سال در سایه بلند پایه ابیرمرد انسانیت اولین امام و پیشوای علی ع بسربرد، بعد از وفات امیرالمؤمنین ده سال در دوران امامت عم بزرگوارش امام حسن (ع) زندگی کرد و پس از شهادت امام مجتبی (ع) - ده سال در عرصه فرمان امامت سومین امام شیعیان جهان حضرت سیدالشهدا پسر بزرگوارش بسربرد و پس از پدر قریب سی و پنج سال مدت امامت بود در روز عید امام زین العابدین بیست و دو سال عمر داشت، در بستر مرضی خوابیده بود قدرت و توان جهاد را نداشت، امام زین العابدین (ع) اسوه صبر و استقامت، الگو و نمونه ثبات و مقاومت است در حادثه خونین عاشورا با مصائب و آلام بی شمار و برورش پدر و برادرها و عموهایش با اعوان و انصار و یاران به فجیع ترین نحو کشته شدند و بیفای شهادت رسیدند حتی طفل شیرخوار برادر خردسالش را که مرد نود و پنج ساله و سبط رسول خدا را سر بریدند از مردان فقط ایشان باقی ماند که در بستر مرضی قرار داشت قدرت حرکت را نداشت تمام اهل و عیال و زنان و اطفال از بیت عصمت و طهارت و خانواده نبوت و امامت به اسارت رفت قاتلان بی رحم و بی سید الشهدا اینها را در شهرهای کوفه و شام که دو شهر بزرگ اسلامی بود به عنوان اسیر بردند و قساوت هاوی رحمی های زیاد از گرسنگی و تشنگی و زدن تازیانه در بدن های شان بخرچ دادند تا ارباب شان ابن زیاد و یزید پلید از ایشان راضی گردند.

ولی سید سجاد در فرصت ها و موقعیت های مناسب با ایراد خطبه های آتشین کاخ استبداد اموی ربه لزره در آورد، بریید ویزیدیان را مفتضح و رسوا ساخت و جهان اسلام را علیه یزید شوراند و اهل اللبیب و اسیران دلشکسته و ایام و اطفال پر شکسته را دلداری و حفاظت و یاری کرد، موفقانه از مسافرت اسارت که ان ربه کاروان تبلیغ تبدیل کرده بود در مدینه برگشت و قیام توأمین آغاز گردید و قاتلین شهدای کربلا و بهلاکت رسیدند چقدر عالی قیام حسینی را تفسیر کرد و به وجه احسن بی خبران کوفه و شام را توجیه کرد.

یکسال بعد که مردم مدینه مسعود حمله و تجاوز بی رحمانه مسلم ابن عقبه گماشته یزید ابن معاویه قرار گرفتند و جنایات هولناک را در مدینه مرتکب شده که قلم از تشریح آن عاجز است. ابن امام زین العابدین بود که بیشتر اصد خانوار را در منزل خود پناه دارد و آنها را از دست برد

لشکر خون آشام شام و کوفه حفظ کرد. آن امام همام چنان غرق در عبادت و سجده، خداوند جهان بود که سید ساجدین زین العابدین لقب دادند. امام باقر (ع) میفرماید: پدرم علی بن الحسین هر گز نعمتی از نعمت های خدای عزوجل رایا نیاورد جز اینکه خدای راسخه کرد، آیهه - آریات قرآن را که در آن سجده بود نخواند مگر اینکه سجده کرد و هر گز سوئی و مکروهی را خداوند رفع نکرد جز اینکه در برابر حق به سجده افتاد. ارضیج نماز واجبیه فارغ نشد مگر اینکه سجده کرد و بین هر دو نفری - که اصلاح میکرد به سجده می افتاد و همواره اثر سجده در تمام مواضع سجده اش نمایان بود ولذا نام مبارکش سجاد شد.

ویژه گیهای حضرت سجاد:

امام سجاد شیشه عطری در سجاده اش بود که هنگام نماز از آن استفاده میکرد و خود را معطر و خوشبوی ساخت امام سجاد در وقت نشستن یک پایش را بر ران خود می گذاشت.

امام سجاد (ع) و قتیکه در نماز می ایستاد بدنش می لرزید، رنگش تنبیر میکرد چون برگ نخل از ترس خدا بلرزه می افتاد.

امام سجاد (ع) دعوت هیچکس را رد نمیکرد و همواره با مستمندان و محرومان هم غذا می شد.

امام سجاد (ع) شب هابردوش خود طعام حمل میکرد و در خانه فقرامی برد و بسر آنها تقسیم میکرد.

امام سجاد (ع) بیست سال بر پدرش گریست هیچ وقت غذائی برای او نیاوردند جز اینکه گریه کرد.

امام سجاد (ع) در ماه رمضان جز یاد عا و تسبیح و استغفار و تکبیر سخن نمیگفت. امام سجاد (ع) مسافرت نمیکرد مگر با کسانی که او را نمیشناسد و در حین سفر با آنها شرط میکرد که او هم جز خدمتگذاران با همسفران باشد.

امام سجاد (ع) و قتیکه قرآن تلاوت میکرد عابرین و رهگذران بقدری مجذوب صدای آنحضرت می شدند که از راه رفتن باز می ایستادند.

امام سجاد (ع) بر شترش بیست بار به سفر حج رفت و در طول این بیست سال یکضربه بر او نواخت.

امام سجاد (ع) قبل از اینکه صدقه، بفقیر بدهد ان صدقه را می بوسید و میفرمود قبل از اینکه این پول در دست فقیر قرار گیرد در دست خدا قرار میگیرد و من دست خدایم را بوسم.

امام سجاد (ع) اگر در وسط راه سنگی را میدید ارشتر خود پائین می آمد و آن سنگ را از راه بر میداشت.

امام سجاد (ع) از غذاهای بسیار لذیذ و شربنی خیلی علاقه داشت و لذایذ بیشتر به آنها صدقه میداد به او عرض میکردند چرا اینها را صدقه میدهید؟ میفرمود " لن تنالوا البر حتی تنفقوا ممتحبون".

امام سجاد (ع) پس از تمام شدن زمستان

خود را صدقه میداد و پس از گذشتن تابستان لباس های تابستانش را به فقرا میبخشید به او میگفتند لباس گران قیمت را یکسانی می دهید که ارقیمتش چیزی نمیداند، چه بهتر بود میفروختید و پولش را بفقرا میدادید، می فرمود خوش ندارم لباس را که در آن نماز خوانده ام آن را بفروشم.

امام سجاد (ع) هرگز با مادرش غذا نمی خورد به او عرض کردند: شما مهربانترین مردم هستید پس چرا با مادرش سربزه غذائی خوری فرمود می ترسم دستم بسوی غذائی دراز شود که قبل از دستم چشم او به آن غذا دوخته شده باشد و بدینسان بر او جفا کرده باشم.

امام سجاد (ع) بر مردمی عبور کرد که غیبتش میکردند به آنها فرمود: اگر در آنچه میگویند راستگو باشید خدا مرا با شما رزواگر دروغگو باشید خدا شمارا بی بخشد.

بر مسلمین است که در برخورد اجتماعی و رفتار شخصی خود از زندگی این بزرگواران درس های عملی و سرمشق زندگی اخذ نمایند. پایان

بقیه از: متن سخنرانی استاد (مزاری)

" حیات عقیده و جهاد است " هیچکس شمارا شکست داده نمیتواند و همانطوریکه برادر ما آقای خلیلی گفته بود ما هم این مسئله را تکرار می کنیم که امروز زندگی نوین برای شماست، زندگی سیاسی جدیدی است امروز بحدانله با بازوان پرتوان مجاهدین شما یا حضور شما در صحنه و دنبال کردن حوادث توسط شما انشاالله که در سیاست آینده کسی شمارا حذف کرده نمیتواند و شما هستی دو جایگاه خاصتان را در آینده دارید و من هیچ این مسئله را نمی گنم که این دشمنان قسم خورده شما امکان دارد باز شما بجنگند ولی شما با پیمودن راه علی و حسین را این امتحان بیرون می آئید و راه سیاسی و جایگاه سیاسی تا نثار در آینده می گیرید، مطمئن باشید و هیچ ناراحتی نداشته باشید (تکبیر حجاز) والسلام

آمریکا رژیم ربانی را مشروع نمیداند!

روزنامه جنگ مورخ ۵ فبروری ۱۹۹۲ کوبته. کارمندان سابقه دار سفارت امریکا در اسلام آباد بوضوح نقش امریکا در حل مسئله افغانستان را رد کرد: در جواب يك سؤال گفت که ما با ورن داریم که پریزدنت ربانی از راه مشروع بریاست رسیده باشد، بهمین علت امریکا پیام تبریک به ربانی نفرستاده است و امریکا با انتقاد گروههای دیگر در این رابطه هم نظر است. مایکطرفه در افغانستان هیچگونه مداخله نخواهم کرد.

نواقص معاهده پشاور گل کرد

جنرال حمیدگل رئیس سابق اطلاعات ارتش پاکستان باروزنامه جنگ ۶ فبروری ۱۹۹۲. نواقص معاهده پشاور بالاخره گل کرد و معاهده، که با آن عجله صورت گرفت و بدون غور و فکر همان معاهده افغانیها را دچار این جنگ کرده است.

با ظهور حزب وحدت اسلامی...

روئیای آنهار ابرباد داده بودند، درین مرحله نیز جان برکف و تحت یک فرماندهی واحد در صحنه حضور قدرتمند یافته و بیش از نصف شهر کابل (پایتخت) را تحت تصرف و کنترل در آورد، درین حال آنانیکه هرگز نمی خواستند به این ملت حقی بدهد، چاره ای - جز اعتراف وجود عینی و فزونی این ملت - قه مانر انداشتند کم و بیش حق و حقوقی را انذار کردند و بدنبال آن بایک برنامه از قبل طرح شده جنگهای خانمانسوزی را پیهم بر نیروهای جهادی تشیع در کابل تحمیل کردند تا شاید بتوانند این خارا از چشم شان بیرون کنند که بحمدالله به این آرزوی شان نرسید و آنرا در گور خواهند برد.

دست آوره ای این جنگهای تحمیلی علیرغم اینکه ضایعات و خساراتی برای ملت مادر پی داشت موجودیت قوی و قدرتمند نیروی سیاسی، نظامی هزاره و شیعه را در صحنه داخلی و بین المللی به اثبات رساند و به ضعف و زبونی دشمنان قسم خورده ما انجامید که حالا هیچ قوه و قدرتی نمیتواند آنرا نادیده بگیرند.

اری ملت قهرمان هزاره باردیکسر عظمت و هویت گذشته خود را باز یافته می رود تا تمام کاخهای ستم و بی عدالتی را به آتش کشد، صلح، صفا، امنیت و عدالت اسلامی

زنده جاوید...

ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احياء عند ربهم یرزقون ط.

شهید اسماعیل فصیحی زاده فرزند حجت الاسلام استاد فصیحی در سال ۱۳۴۰ در خانواده روحانی و متدین متولد شده، بعد از سال ۱۳۴۷ در مکتب اخندی نزد استاد مدرسه محل (تبقوس) دروس ابتدائی، قرآن کریم فارسی، ریاضی، ادبیات عربی را فرا گرفت و در سن (۱۵) سالگی همراه با پدر و جمیع خانواده به کابل عزیمت نمود در آنجا مضمون تجوید قرآن کریم را بسبک جدید تعلیم نموده و خود قاری قرآن شد که در اکثر محافل ای رسمی با اساتید چون قاری فاخر و قاری وقار در برنامه قرائت قرآن حضور داشت، در این ادوار حیات شان از فهم زبان انگلیسی، پشتو بهره خوب داشت.

شهید فصیحی زاده از نظر اخلاقی و متعبد بودن کمال رعایت مسئولیت الهی و اسلامی را داشت، او در میان خانواده از محبوبیت خاص برخوردار و در میان دوستان

و اجتماعی را به محرومین و مظلومین کشور به ارمان آرد، درین راستا جای شك و تردیدی نیست که تمام دست آوردهای این ملت از برکت وحدت و یکپارچگی آن است که همگی خردمندان حول یک محور " حزب وحدت اسلامی " گرد آمدند.

ظهور حزب وحدت اسلامی بعنوان تنها نماینده ملت ستم کشیده مادر تاریخ سیاسی معاصر کشور ستاره تابناکی بود که از افق ظلمانی و ازیس ابرهای تاریک تاریخ کشور بمتابه فرشته نجات درآشفته بازار -

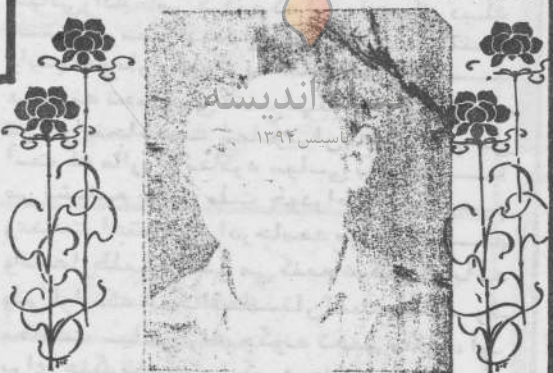
سیاسی، نظامی، در میان طوفانهای حوادث حضور فعال یافته و در عرصه های سیاسی نظامی، محافل بین المللی بارش و بالندگی و ابتکار با زتاب خوب و معقول داشته و در جهت تثبیت موقعیت و جایگاه ملت خویش موفقانه تبارز کرد، اکنون بعد از گذار از خطرناکترین پیچ و خم های سیاسی و نظامی به نقطه ای رسیده که ارمان تجسم یافته قاطبه ملت ماست.

اری بدون شك حزب وحدت اسلامی، بیش از حد انتظار دست آوردهای سنگینی را در عرصه داخلی و بین المللی برای ملت ماکمائی نموده است.

حال جاه دارد که بشکرانه این نعمت بزرگی که خداوند متعال بملت سر بلند و سرفراز ما عنایت فرموده مقفوف خود را فشرده تر ساخته در حفظ و حراست

و آشنایان، بخصوص میان رفیقان هم سن و سالشان در نهایت و قافصاف از زندگی برخوردار بود.

شهید اسماعیل در دوران اخیر زندگی در سن هفده سالگی بی نهایت در پابندی نماز و روزه و او را و انکار عاشق بود، بطوریکه



((شهید اسماعیل فصیحی زاده))

سوره های زیاد از قرآن و دعا های فراوان را حافظ بود، شهید فصیحی زاده باتزکیه نفس که داشت در مطالعات کتب دینی، مذهبی سخت علاقه مند بود و دیگران را نهایت در این امر تشویق مینمود، وی بعد از فاجعه ۷ ثور بطور همیشه موضوع جهاد و مبارزه علیه دشمنان خدا را در سر داشت که بی باکانه

از دست آوردهای خویش با تمام هستی کوشا باشیم، نگذاریم همانند دوره سرکوب عبدالرحمن جلاد بار دیگر ملت بخون نشسته مابه تباهی کشانده شود، در آن دوره نامیمون علل و عوامل بسیاری در کار بود تا جامعه ما را به ضعف و تباهی کشاند، منجمله آنچه را تاریخ بیان میکند عناصری از درون -

ملت ما بعنوان اجیر و مزدور در صف دشمن قرار داشته، ایاد در دوره مانیز چنین عناصری وجود ندارد؟! بهر حال از اینکه ملت ما در مسیر مبارزه تا تحقق کامل عدالت -

اجتماعی در کشور که در آن ظلمی بر هیچ فرد و ملیتی وجود نداشته باشد راه دور و درازی در پیش دارد که مستلزم هوشیاری و بیداری کامل در مسیر مبارزه و حضور در صحنه میباشد -

بخصوص در شرایط حساس کنونی که کشور در تب و تاب یک بحران عمیق که در حال اوجگیری است فرورفته، دست و پامیزند و قضای حاکم بر افغانستان سخت وحشتناک و غبار آلود است.

درین میان حزب وحدت اسلامی بعنوان تنها نماینده مردم هزاره و تشیع عقیده دارد که افغانستان خانه مشترک همه افراد ساکن در آن بوده، بایست همه دارای حقوق سیاسی، اجتماعی عادلانه و در تمام عرصه های حیات کشور باشند و همواره با در نظر داشت این اصل که تنها در سایه تفاهم و قبول همدیگر میتواند هر ملیت در جایگاه واقعی خویش قرار گیرد.

وازه مین جااست که حزب وحدت اسلامی در ارتباط با بحران کنونی کشور مذاکره را کوتاه ترین و مناسب ترین راه حل تاءکید داشته و میخواهد تا از طریق مفاهمه و مذاکره یک دولت اسلامی فراگیر و منتخب واقعی کل جامعه افغانستان واحد، مستقل و آزاد بوجود آید که در چهار چوب آن دولت تمام نیروهای سیاسی و اقوام افغانستان بحقوق خویش دست یافته باشند. % پایان

۱ - آرکتاب هزاره ها و هزاره جات باستان در آینه تاریخ نوشته حیدر علی جاغوری

در مجامع و محافل قومی در کابل سخن از خیزش و تحرك علیه حکومت برزبان می راند که در این امر دهها مورد از سوی بسی عناصر وابسته و مزدور کمونیزم تهدید می شد، در سال ۱۳۵۸ بعد از اینکه پدرش حاج فصیحی و برادر امهاجر شدوی در منطقه و مسکن اصلی خود جاغوری در جوار سایر جوانان همفکر آمدند در سال ۱۳۵۹ که از سوی رژیم کمونیزم تهاجم گسترده، پیاده نظام و قوای زرهی، هوائی علیه مردم بی دفاع جاغوری صورت گرفت شهید اسماعیل در این دوران بعد از تلاشهای زیاد در امر جهادی به اثر انفجار مین که علیه قوای زرهی دشمن کار گذاشته شده بود همراه با شهید محمد جواد احمدی به لقاء الله پیوستند و بارفتن این دو جوان نورس، استاد صفحہ ۹



بقیه از: متن سخنرانی...

امتحان سربلند بیرون آمدند و سندی برای مردم ما وجود ندارد که در این خیانت تاریخی که ربانی مرتکب شده، کسی را وپول گرفته باشد یا شد یا بعنوان اینکه کسی خود را فروخته باشد، این افتخار خوشبختانه برای ملت ما هست.

دوسه قلم گرفته اند که البته اینجا هم دونگته وجود دارد.

یک نکته این است که دولت آن کسی که به نفعش می خواهند استفاده کند، قدر به مردم مایبی اعتبار خورد کرد، و یک نکته دیگر در این طرفش نهفته است که این ناکس و این شخصی که خود را فروخته چقدر ارزان - فروخته است، برای کسی که در لوگر بیشتر ارسی نفرمجاهد ندارد، جناب آقای ربانی چهارصد ملیون افغانی برایش داده، ولسی این نفری که از طرف ملت ما پول گرفته هشت ملیون پول گرفته ۱ از طرف آقای ربانی بسیار توهین است به مردم ما و از این طرف هم بسیاری ننگی ۱ بعد از اینکسه خودت را می فروشی، چرا قیمت نمی فروشی که ارزان می فروشی؟ (خنده حضار)

و از این جهت ما این شورای حل و عقد را نامشروع می دانیم و باور داریم که داودو - حفیظ الله امین، ببرک و نجیب اینها هم در افغانستان لویه جرگه دایر کرده اند و مردم را آورده اند و هیچکدام با این قدر افتضاح نبود، و کسانی هم که دل خوش کرده رفته بودند قول گرفته بودند که آقای ربانی آنها حمایت کند و در آینده مذهب شیعه را به رسمیت بشناسد، ما چون با برادران حرکت تفاهم داشتیم و تفاهم ما این بود که عاشق قیافه کسی نیستیم، سه چیر در این مملکت در آینده می خواهیم یکی رسمیت مذهب ما و دیگر اینکه تشکیلات گذشته ظالمانه بوده باید تغییر کند و سوم اینکه شیعه در تصمیم گیری شریک باشد (تکبیر حضار) ولی وقتی که ما این کار را با شما می کنیم و ما هم خوشحال بودیم که یکی از گروههای شیعه رفته در کنار آقای ربانی و مشروعیت مذهب شیعه را در -

انجامی گیرد، و این خواست ما است و هیچ ناراحتی ای هم نداریم با اینکه همین گروه در - اول تعهد کرده بود که نرود ولی ما هم که با ائتلاف دیگری هستیم روی همین رابطه رسمیت بخشیدن به مذهب تشیع کاری کنیم ولی آنها را همانقدر هم نگذاشتند که حرفشان را بگویند به محض اینکه یکی از علمای مطرح کردند که نماینده های شیعه و سنی که در اینجا آمده اند در آینده حقوق شان را می خواهند سرو صدا شود و بلند گوراهم قطع کردند و از دیوهوم پخش نکردند، این هم از تعهد اینها با ما - برادران ما ۱ این وضعیتی است که آقای ربانی پانزده - بیست روز غیر قانونی خلاف مصوبات و امضای ریاست را در اختیار داشت، در پیل چرخه که رهبران جمع شدند که قدرت را - تحویل بدهد اما تحویل نداد، در همان شورا می که دایر شده بود که دوران چهار ماهش تمام شده بود در آنجا هم هر چه آقای مجددی گفت بگو که من ریاست را به شورای قیادی تحویل میدهم. آقای ربانی این کلمه اردهانش بیرون نشد که من ریاست را تحویل میدهم ۱ در شورای حل و عقد هم که دایر شد جناب آقای هادی که

انجارت پافشاری کرد که حالا که شورادایر شده شما بیائید در اینجا بگوئید که من ریاست را به شورای حل و عقد تسلیم کردم و شورای حل و عقد یک کسی دیگر را انتخاب کند یا مرا انتخاب کند، این را ربانی نگفت و حتی در جایی خودش هم گفته بود که آقای مجددی شهادت نداشت، شجاعت نداشت که قدرت در دستش بود و تحویل داد، اما من این شجاعت و شهادت را دارم که به هیچ وجهی ریاست را رهانمی کنم، لهذا از این جهت اگر شورایی دایر می شدی نمی شد، قدرت در دست آقای ربانی بود و تحویل نمی داد و این شوراهم شورای قلابی است و هیچ ارزش قانونی ندارد و کل رسانه های خبری هم اینرا منعکس کردند که یک شورای نمایشی است حتی سه صد نفر از قندهار و جاهای دیگر را که اعتراض می کردند از هتل بیرون شدن نگذاشت لهذا از این جهت ما این شورای اقلابی میدانیم و این ریاست را ریاست مشروع نمی دانیم.

منتی این مسئله بعنوان اعلان جنگ نیست این نظر ما است، این حق مردم ما است که باید در اینجا در سر نوشتشان برای حکومت آینده سهم داشته باشند این حق را طلب داریم ولی بهیچ وجه این اعلام جنگ نیست و جنگ نمی کنیم و جنگ طلب هم نیستیم و مشروع هم نمی دانیم در این مسئله حرف منطقی با ایشان داریم که بیایند این قدرت - را به شورای قیادی که نماینده همه، تنظیم هاست و نماینده مردم شمال هم باشد به ده نفر تحویل بدهند و آنها را برین شان یک نفر را انتخاب بکنند که تایک شورای حل و عقد عادلانه دایر شود یا مینه انتخابات فراهم شود که مردم خودشان رعیم آینده شان را تعیین کنند این حرف ما است و این را جلسه هم کردیم نشستیم بحث هم کردیم، قطعنامه هم صادر کردیم و در رادیو هاهم گفتیم ولی آقای ربانی چون اول تصمیم داشت که به هیچ قیمتی این قدرت را به دیگران تحویل ندهد لهذا امروز حکومتش را تشکیل داده و خود را رئیس جمهور اعلام کرده و امکان دارد کشور های خارج هم برسمیت بشناسد، هیچ حرفی نیست ما عاشق قیافه هیچ کسی نیستیم حقوق ملت خود را می خواهیم هر کس که این حقوق را برای ملت ما قائل شود، ما دست او را می فشاریم.

این دوران هفت ماه هم اثبات کرد که خیالی را که ما می کردیم که اینها به ما نزدیک هستند درست نبوده و اینها نزدیک نیستند و اینها هم ما را بعنوان یک ملت نیرومند در صحنه تحمل نمی کنند لهذا حرفی را که من در اینجا خدمت شما عزیزان تذکر بدهم این است که ما از راه مذاکره سیاسی با گروهها می نشینیم حقوق ملت خود را خواهیم و عدالت اجتماعی را در جامعه می خواهیم و انحصار طلبی را نمی می کنیم هر کس که باشد ولی از اینکه اینجا افغانستان است طرف مخالفت سیاسی راهی چگونه تحمل ندارد، او - برای جنگ تصمیم می گیرد چنانچه جنگ پیشین را او تصمیم گرفت که حالا شورای حل و عقد دایر نشود، چون پول خورده شده خیانت شده مناطق مختلفی این مسئله وارد کرده باید یک حکومت عبوری موقت دیگر بیاید پنج گروه در اینجا هماهنگ شده بودند و اینها جنگ را بر ملت ما تحمیل کردند و از وزارت دفاع هم اعلامیه دادند که ما کودتا را خنثی کردیم ۱ لهذا از این جهت شمارز مندگان عزیز و ملت قهرمان و شجاع و همیشه در صحنه باید

در آماده باش کامل باشید که ما طرفدار جنگ نیستیم و جنگ طلب هم نیستیم اما امکان دارد حضور شمارت حمل نکنند و اینها جنگ دوباره را سر شمارت حمل کنند و این جنگ دوباره را که تحمیل می کنند مسلماً تنها نیستند چون در پنج جنگ دیگر که بودید شما را به عنوان یک حزب تنها فکرمی کردند و جنگ را تحمیل می کردند حالا پنج شش تا گروه امضا کردیم که این شورا - عاقلانه نیست، قدرت را باید به شورای قیادی تحویل بدهد و این اعلامیه را به دیوار هاهم دادیم ولی اینها با خاطر اینکه بحکومت کردن اصرار دارند امکان دارد با این گروهها بجنگند و از اینکه این احتمال وجود دارد شما که تا حالا مردانه در صحنه ایستادید و از حیث ابرو و ناموس تان دفاع کردید، برای آینده هم باید آماده باشید (تکبیر حضار) و هیچ

گونه اعتباری نیست در آن وقتی که حزب اسلامی بانبروهای شمال وارد کابل شد خود آقای ربانی به آقای فاضل تلفون زدند و آقای مسعود به آقای کاظمی که ما و شما هم هستیم بیائید شما یاد میانی کنید و میانجی شوید و ما حرف شمارت قبول داریم و شما اختیار دارید، این مسئله بعد از جنگ شما با شورای نظر بود که حتی حزب وحدت، هنوز خون مردمش از سرگها خشک نشده بود، ایمن عزیزان (آقای فاضل و کاظمی) شب با من تماس گرفتند که ربانی یک چنین حرفی می زند تلفون ها خراب بود و سونت عجیب هم این است که وقتی جنگ میشود، بلافاصله تلفون های ما خراب میشود و بهر حال بعد گفتم که فردا بروید از آقای ربانی کتبی امضاء بگیرید، چون آقای ربانی به امضایش هم بند نیست حالا قولش که هیچ ۱ بعد از این برادرها در حالی که سه روز از جنگ تیر شده بود خطر جان شان هم موجود بود رفتند و آقای ربانی به خط مبارکش نوشتند که حزب وحدت اختیار دارد که با حزب اسلامی نیروهای شمال و جمعیت مشکل افغانستان را حل بکنند، این خطر را دادند و ما هم گرفتیم و با اینکه همه علیه حزب اسلامی تبلیغات کردند که اینها با منیسه ها مخالفند و با نیروی شمال نمی نشینند و حرف نمی زنند و لسی حزب اسلامی اعلان کرد که بخاطر اینکه حزب وحدت یاد میانی کرده ما قبول داریم جنرال دوستم هم از مزار پیام داد که حزب وحدت که یاد میانی باشد ما هم قبول داریم، آقای ربانی این قول را هم خورد و قبول نکرد (خنده حضار) این وضعیت مملکت است اما در آینده اگر شما دست مخالفین را در بین تان راه ندهید و وحدت تان را حفظ کنید و به حرف این وان گوش نکنید و پیرو علی و امام حسین باشید که می گوید: صفحه ۱۰

((طلوع وحدت))

چریده: سیاسی، فرهنگی، عقیدتی، خبری
صاحب امتیاز: حزب وحدت اسلامی ۱۰۰۰
زیر نظر: کمیسیون فرهنگی
مرکز پخش: دفاتر و نمایندگان حزب وحدت